

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران

- امپریالیسم پایپای هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اویسی‌ها و سپردن قدرت به لیبرال‌های جاده‌صافی‌کن ضدانقلاب
- هتاک و تعریف از سوی «مجاهد» نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!
- نیروهای ضدامپریالیستی ایران رفتارته‌واقعیست افغانستان را درمی‌یابند.
- بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم آمریکاست؛ لیبرالها تنها جاده‌صافی‌کن آن هستند.
- رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیب آن‌در شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی تعیین میکنند.

صفحه ۳



شماره ۵۲ - دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۲۰ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

امشب بعد از اخبار شب در شبکه اول:

بحث آزاد تلویزیون

درباره «آزادی، هرج و مرج، زورمداری»
باشرکت حزب توده ایران
پخش می‌شود

در این بحث رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت‌کنندگان در این بحث عبارتند از: آقای بهشتی (از حزب جمهوری اسلامی)، آقای پیمان (از جنبش مسلمانان مبارز) و آقای فتاپور (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»).

تذکر: طبق اطلاع قبلی تلویزیون قرار بود که این بحث در روزهای دوشنبه ۴ و سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰ پخش شود. ولی روز پنج‌شنبه تلویزیون اعلام کرد که بعلت تراکم برنامه، پخش اول این بحث ساعت ۵ بعد از ظهر روز جمعه اول خرداد پخش می‌شود. و روز جمعه پخش اول این بحث در محیط سالم و باموقفیت برگزار شد.

نیروهای بسیج به کمک توپخانه نیروی زمینی ارتقاات گام‌پیشان در دشت ذهاب را تصرف کردند

رزمندگان انقلاب در پی پیروزی‌هایی که در روزهای گذشته در جبهه‌های نبرد با تجاوزگران صدامی بدست آوردند، ارتفاعات گامیشان را تصرف و ضدحمله کردند. آنان طی این عملیات، ۱۷ تانک و ۶ قبضه توپ ضدهوایی دشمن را نابود کردند. اطلاعات شماره ۵۱۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره این عملیات در روزهای ۱ و ۲ خرداد حاکیست که بامداد روز ۲ خرداد ۶۰ رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی هوایی نیروی، مواضع دشمن در منطقه دارخوین را مورد حمله قرار دادند و در نتیجه ۱۵ تانک و ۶ قبضه توپ ضدهوایی آنان را نابود کردند. در این عملیات تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و تعدادی از تجهیزات آنان به‌غنیمت گرفته شد.

رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روزهای گذشته توانستند ضدحمله دشمن در منطقه گامیشان را به هلاکت رسانند و یا مجروح کنند. در جبهه‌های دزفول، ۲ انبار مهمات و یک خمپاره‌انداز دشمن به آتش کشیده شد. همچنین گروهی از رزمندگان انقلاب شامل افراد بسیج و نیروی‌های مردمی، در روز ۲ خرداد ۶۰ موفق شدند با پشتیبانی توپخانه نیروی زمینی ارتش، ارتفاعات گامیشان در دشت ذهاب را به تصرف خود درآورند. در این عملیات تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و تعدادی از تجهیزات آنان به‌غنیمت گرفته شد.

«توطئه‌ای در حال تکوین»

حجت‌الاسلام محمدی‌ری‌شهری، حاکم‌شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی از وجود سازمانی بنام «سازمان رژیم سلطنتی» (که بصورت مخفی خودشان را «پارس» می‌نامند) پرده برداشت و آنرا «سازمان گسترده‌ای» نامید که در خارج کشور با فراریان ضدانقلابی و در داخل کشور با «تعدادی از بازاربان» و «تعدادی از روحانیون» در قم (آقای ری‌شهری افزودند: «بقول ما روحانی‌نمایان») تماس داشته‌اند. ایشان همچنین اطلاع دادند که ۱۸ نفر از اعضای اصلی این سازمان، که قصد بمب‌گذاری در چند مرکز حساس (از جمله در محل نماز جمعه تهران) را داشته‌اند، دستگیر شده‌اند و افزودند که سازمان نامبرده ۲۵۰ تا ۳۰۰ عضو دیگر نیز دارد.

یکی از افراد دستگیر شده این سازمان در اعترافات خود، که از شبکه رادیو تلویزیون (دوم خرداد ۶۰) پخش شد، با پیش‌می‌خاص خود فروختگان گفت که، از فرح و رضا پهلوی پول میگرفته و با این پول عده‌ای از اربابش را، که دستشان در آدم‌کشی نمیلرزیده است، برای بمب‌گذاری در محل تجمع مردم بیگناه اجیر میکرده است. وی گفت که بختیار بخصوص تا کید داشته است که بمبها در محل نماز جمعه منفج شوند. چرا؟ پاسخ این پرسش را تنها در ارتباط با تاکتیک و سیاست کلی ضدانقلاب میتوان یافت.

آقای ری‌شهری تاکتیک ضدانقلاب را بدرستی شرح داد. و گفت که امریکاییها، پس از آنکه در امتداد جریان طیس و کودتای نافرجام و حمله عراق به ایران فهمیدند که به آن صورت امکان ندارد به ایران بازگردند و مسلط شوند، به‌خیال خام خودشان به فکر افتادند از یک طریقی... جو نارضایتی را در مردم گسترش دهند و کار نهایی خود را برای وقتی بگذارند که نارضایتی‌ها به حد اعلای خودش رسیده باشد.

مسلم است که اتخاذ این تاکتیک بمعنای صرفنظر کردن «از کار نهایی» یعنی سرکوب مسلحانه انقلاب از طریق مداخله و یا کودتا بوده و نیست. رساندن «نارضایتی‌ها» به حد اعلای خودش،

مردم ما از دادگاههای انقلاب قضاوت عادلانه و احکام انقلابی در جهت استحکام وحدت جبهه انقلاب و قلع و قمع ضدانقلاب رامی طلبند

فرزندشان «به اثبات خواهد رسید». آنها که ظالمانه زیر حکم اعدام تامل اسکندری را امضا کرده‌اند، حوب است وصیت‌نامه ساده و معصومانه او را بخوانند و به رهنمودهای امام خمینی درباره اهمیت درجه اول قضاوت عادلانه دادگاههای انقلاب ببینید. صدور احکامی نظیر حکم اعدام

را میدانم که دید غلط نسبت به نیروهای انقلابی دارد. او با صراحت اعلام کرده‌است: «بخاطر دفاع از مین که همان دفاع از جمهوری اسلامی است، من میخواستم در جنگ شرکت کنم که دستگیر شدم.» او بر این اساس، به والدینش خاطر نشان ساخته است که: «روزی حقانیت و پاکی»

در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۶۰ اعدام شده است. عادل اسکندری در لحظات پیش از اعدام وصیت‌نامه‌ای از خود برجای گذاشته است که بهترین گواه و سند مظلومیت و برائت اوست. او در وصیت‌نامه‌اش گفته است: «حاکمیت جمهوری اسلامی را ضدامپریالیست میدانم، ولی این

آن نهاده‌اند و در شرایطی که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دادستان کل انقلاب اسلامی ایران براساس قانون اساسی جمهوری، آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی را اعلام داشته‌اند که با جمهوری اسلامی ایران جنگ و یا سر جنگ ندارند، و از دادگاهها قضاوت عادلانه را مصرأ خواسته‌اند،

با کمال تأسف و تانی اخیرا از خبری دردناک مطلع شدم حاکمی از این که یکی از اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به نام عادل اسکندری، کسی که شکنجه و زندان رژیم شاه ملعون را کشیده و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده‌است، در سالی که امام خمینی زبور نام حاکمیت قانون را بر

در صفحات بعد

کارگران
نساجی‌های
اصفهان
گردان رزمنده
طبقه کارگر ایران

صفحه ۸

نمایشگاه
دلآوری‌های خلق
وجنایات
تجاوزگران
صدامی

صفحه ۸

باجنبش پاگواش
آشناشویم

صفحه ۸

تازه‌های روز

صفحه ۲

لوح افتخار
را کامل کنیم

صفحه ۲

درباره یک سفسطه در
منطق راجع به «جزء» و
«کل» و «کلی» و
«جزئی» و نتایج اسلوبی
این سفسطه

صفحه ۶

«خوتنا»ی نظامی
آرژانتین، مردی
جدیدر ابروی
صحنه میفرستد

صفحه ۳

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تازه‌های روز

بارساندن دارو، واقدامات فوری، جلو هرگز و میر گوسفندان «ایلسونها» را بگیرید!

با شروع فصل گرما، ایلسونها (شاهسونهای سابق) منطقه دشت مغان بسوی کوههای سیلان بحرکت درآمده‌اند. آنچه اخیراً باعث ناراحتی خاطر ایلسونها گشته، یک نوع بیماری بنام «قین‌دیرما» است، که بجان گوسفندانشان افتاده است.

متاسفانه داروی این بیماری - «واژوی» - در بازار نیست و در اثر نبودن این دارو، هر روز زحمتکشان «ایلسون» دهها گوسفند خود را از دست می‌دهند. یکی از آنها که بدنبال دارو به شهر سراب آمده بود، می‌گفت:

«دار و ندار ما همین گوسفندهاست، اگر تا همین چند روز آینده دارو غیر نیآوریم، تمام گوسفندهای ما خواهند مرد.»

امیدواریم مقامات مسئول کشاورزی اقدام عاجل در این زمینه مبذول دارند.

سرمایه‌داران بزرگ با تمام قوا علیه انقلاب

در اخبار بود که طی روزهای گذشته، ۲۵۰ کیلو گوشت بیخ‌زده سالم و کمپوت‌های مختلف و همچنین ۱۰۰۰ ماهی سفید تازه، که در اطراف تهران، به‌دورریخته شده بودند، کشف شده‌اند. همچنین طی همین روزها، مقادیر زیادی حشره کش، صابون و مایع ظرفشویی احتکار شده، که مورد احتیاج شدید مردم هستند، توسط مامورین ستاد مبارزه با گرافروشی کشف و ضبط شده‌اند.

این اخبار که در روزهای اخیر بیشتر شده‌اند، از فعالیت گسترده و همه‌جانبه سرمایه‌داران غارتگر برای به‌زانو درآوردن انقلاب ایران و تشدید دشواریهای اقتصادی، حکایت میکند.

سرمایه‌داران ضدانقلابی برای تحت فشار قراردادن مردم محروم و زحمتکش، و به‌خیال خویش ناراضی‌ساختن آنها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به هر جنایتی دست می‌زنند: احتکار می‌کنند، در تولید خرابکاری می‌کنند، مواد غذایی را بدور می‌ریزند و...

این غارتگران که عمل آنها از جنایت کمتر نیست، اکنون آشکارا علیه انقلاب ایران شمشیر کشیده‌اند.

اقداماتی که تاکنون انجام گرفته لازم است، مورد تأیید است، ولی هنوز کافی نیست. میتوان و باید با اتکاء به توده‌های محروم‌جولوی فعال‌مایشتای سرمایه‌داران غارتگر را گرفت و دست آنها را از غارت مردم زحمتکش و محروم کوتاه کرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق!

توطئه‌ای در حال...

بقیه از صفحه ۱

که ما آنها را روحانی‌نما بنامیم و یا نامیم) کیستند که با پختیار تماس دارند و بگفته آقای ری‌شهری میکوشند «با مجموع این تماسها و کارهایی که انجام میدهند، مرحله اول، یعنی تشدید زمینه نارضایتی و بهره‌برداری از مشکلاتی که در جامعه هست، به حد وافر انجام بشود»؟

روشن است که از دست فلان طلبه یا روحانی کوچک و متوسط چنین کاری ساخته نیست. آن «تعدادی از بازاریان»، که با پختیار تماس دارند و در داخل کشور بحساب او در بانک پول می‌گذارند، تنها با آن «تعدادی از روحانیان» تماس میگیرند، که برای کمک به بازگرداندن آنها بمرس حکومت، کاری از دستشان برآید. تمام عقب‌گردهای ضدانقلابی در تاریخ ایران به کمک همین «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانیان» انجام گرفته است. خیانتی که اینها به کشور و انقلاب کرده‌اند، چنانکه امام خمینی بارها در صحبت‌هایشان گفته‌اند، از تمام افسار دیگر بیشتر بوده است. از افسان‌العالم فسدالعالم.

جالب است که ضدانقلاب‌برای برقراری تماس

به مشکلات فرهنگیان هفت گل رسیدگی کنید

قطع حقوق فروردین ماه فرهنگیان و کارمندان ادارات هفت گل، بخصوص هنگامی که از این افراد بابت استفاده از خانه‌های شرکت نفت اجاره دریافت میشود، موجب نارضایتی آنان شده است. فرهنگیان هفت گل، از شروع فعالیت شرکت نفت در این منطقه، از تعدادی از منازل شرکت نفت، که در اختیار آموزش و پرورش قرار داده شده، استفاده می‌کردند و از این بابت نیز اجاره‌ای پرداخت نمی‌کردند. لکن اکنون از طرف شهرداری بابت کرایه سکونت، و براساس حقوق فرهنگیان، کرایه‌ای از ۷۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، حقوق فروردین ماه فرهنگیان و کارمندان سایر ادارات قطع شده است و این موضوع نارضایتی زیادی در آنان ایجاد کرده است. فرهنگیان که حقوقشان قطع شده است، طی تلگرامی که به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مخابره کرده‌اند، ضمن تأکید بر اینکه «در این شرایط حساس که میهن انقلابی ما، درگیر توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم، به‌سرگردگی آمریکاست، هرگونه تشنج، تحصن و اعتصاب زیانبار است»، خواستار حل عادلانه مسئله توسط مسئولین شهرداری و آموزش و پرورش منطقه شده‌اند.

فرهنگیان همچنین با نظارت یک هیئت هفت‌گلی، متشکل از نماینده فرهنگیان، شهرداری، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، بر نحوه استفاده از درآمد کرایه‌های منازل و بکارگیری آن در عمران و آبادی شهر، موافقت کرده‌اند. آنان همچنین خواستار اخذ کرایه از سایر کسانی که ساکن خانه‌های شرکت نفت هستند، و از درآمد بالایی نیز برخوردارند، شده‌اند.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول به خواسته‌های فرهنگیان، از آنان میخواهیم که هرچه زودتر در جهت رفع مشکلات آنان و حل مسئله قطع حقوق فروردین ماه این افراد اقدامات قاطعی انجام دهند. این عمل موجب خواهد شد که ضدانقلاب و عوامل آشوبگر نتوانند از نارضایتی موجود در میان فرهنگیان و کارمندان ادارات این شهر به سود اهداف پلید خود استفاده کنند.

«لوح افتخار» را کامل کنیم

مکمل «لوح افتخار» ما، نام ۱۰ شهید قهرمان دیگر است که در فاصله سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ از صفوف حزب توده ایران روبرو شده و بدست دژخیمان شاه به شهادت رسیده‌اند.

- ۱- احمد وصالی زوزوی کارگر معدن، که در آذرماه سال ۱۳۲۵، در زیر آب، به وسیله مزدوران رژیم منحط پهلوی از ارتفاع سی‌متری به پایین پرتاب شد و چون زنده ماند، به حکم دادگاه در ایستگاه زیر آب قهرمان شد.
- ۲- حسین تعتمی در سال ۱۳۲۳ در اعتصابات به دست ژاندارمها شهید شد.
- ۳- اکبر فایزیک (کارگر نساجی) در ۳۰ تیر سال ۱۳۲۴ به دستور سر لشکر ارفع شهید شد.
- ۴- عیسی محمدی در سال ۱۳۲۸ به اتهام عضویت در حزب توده ایران، به تحریک فتودال معروف گرسار، در باغی به طرز فجیعی شهید شد.
- ۵- عزیز حمیدی، که در سال ۱۳۲۶ در زندان شهید شد.
- ۶- علی قدمپور (کارگر نساجی) در سال ۱۳۲۴ به دستور سرلشکر ارفع شهید شد.
- ۷- احمد پرازانده (نماینده کارگران قالیباف) در سال ۱۳۲۱، به هنگام سخنرانی برای کارگران، توسط دژخیمان آریامیری شهید شد.
- ۸- رمضانعلی دهقان (کارگر سابق کارخانه چالوس) در سال ۱۳۲۵ در زیر شکنجه شهید شد.
- ۹- انور پاشا، قبل از کودتای شوم ۲۸ مرداد در شاهرود، توسط دژخیمان رژیم به طرز فجیعی شهید شد.
- ۱۰- آقا مراد ابائی، در سال ۱۳۲۵، به هنگام هجوم به کلونپهای حزب در گرگان و ترکمن صحرا، توسط مزدوران رژیم به‌وسیله کلت کمری در کمیشان شهید شد.

بعد از ۴ ماه، که از انتشار «لوح افتخار» میگذرد، بر بنیاد خواست «نامه مردم» برای کامل کردن این لوح، که نام شهدای حزب قهرمان ما در آن درج میشود، سیل نامه و اطلاع به روزنامه سرازیر است. باید گفت: رفقا مه‌نویز! و باید افزود: مردم قهرمان ایران، رفقای توده‌ای! هنوز لیست شهدای حزب ما کامل نیست. باز هم به یاری شما نیاز داریم. از شما طلب می‌کنیم که «لوح افتخار» را باز هم کامل کنید.

لطفا در ارسال نام شهیدان حتماً نکات زیرین را رعایت کنید:

- ۱- مشخصات کامل شهید را از قبیل نام، شهرت، سال تولد، محل تولد، وضع خانوادگی، حرفه و... بنویسید.
- ۲- سابقه مبارزاتی رفیق شهید را ذکر کنید.
- ۳- تاریخ شهادت، علت دستگیری و علت شهادت رفیق را دقیقاً شرح دهید.
- ۴- عکس رفیق شهید را برای ما بفرستید.

توجه

- ۱- رفیقی نام شهید احمدشکات منیر را برای ما فرستاده است. از رفیق فرستنده خواهشمندیم که مطابق نکات یاد شده در بالا، مشخصات کامل زندگی و شهادت رفیق احمد شکات منیر را برای ما بفرستد.
- ۲- رفیقی نام رفیق شهید علی حسین شمس، دهقان ساکن قرینه دره یا حاجی آباد از روستاهای تابع آراک را برای ما فرستاده است. از همه مطلعان می‌خواهیم که هر اطلاعی پیرامون زندگی و شهادت این رفیق دارند، مطابق نکات یاد شده در بالا، برای ما بفرستند.

نفت مورد نیاز سراب را تامین کنید!

توزیع نفت مورد نیاز شهر سراب و حومه از حدود یکماه قبل متوقف شده است. به همین جهت کمبود نفت در منطقه بحدی است که مردم حتی برای سماور و چراغ خوراکی هم نفت ندارند. این وضع و پخش شایعاتی در بین مردم، مبنی بر وجود ۴۰ هزار لیتر نفت در انبار نفت سراب، باعث نارضایتی مردم شده است. ما از مسئولین این شهرستان می‌خواهیم که با حل مشکل توزیع نفت، جلو نارضایتی مردم را بگیرند.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران - شهرستان بوشهر به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران با صمیمانه‌ترین درودها و با وجودی سرشار از اعتقاد به سوسیالیسم علمی و با احترامی عمیق نسبت به کمیته مرکزی پرافتخار حزب توده ایران، برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طرازنویین طبقه کارگر ایران، را صمیمانه تبریک می‌گوئیم و با درک عمیق مسئولیت تاریخی خویش در این لحظات سرنوشت‌ساز، ضمن اعلام پشتیبانی همه‌جانبه از کلیه مصوبات پلنوم، خود را وظیفه‌مند میدانیم که با تمام امکانات برای تحقق برنامه حزب مصوب پلنوم، جهت تثبیت و تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران، بکوشیم.

داخل) زمینه را برای انجام «کار نهایی» فراهم سازند.

«کار نهایی» به چه صورت انجام خواهد گرفت؟ پیش‌بینی آن قبل از فراهم شدن زمینه دشوار است. پس مهم‌ترین وظیفه ما در لحظه کنونی از بین بردن این زمینه است. این زمینه پایگاه اجتماعی و اقتصادی دارد، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان تا هستند و امکان دارند، دست از توطئه برای براندازی حکومتی که صد درصد تابع خودشان نباشد، برنمیدارند. سستی و عدم قاطعیت ما در برابر پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی ضدانقلاب و جاده صاف کنهای آن، روز بروز این زمینه را تقویت میکند. تالظه‌ای که برای اجرای «کار نهایی»، مانند ۲۸ مرداد، تنها یک فرمان لازم است، آنهم از صدای آمریکا و بی‌بی‌سی!

پس همانطور که با هشجاری شبکه‌بمب‌گذاران کشف شده است - و این مایه خوشحالی و موجب تقدیر است - همانطور هم امید هست که با قاطعیت ریشه توطئه‌گران ضدانقلابی کنده شود، همانطور هم انتظار میرود که پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضدانقلاب - کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان - نیز از بین برده شود. هر اقدامی در تمام این زمینه‌ها، بدون تردید مورد پشتیبانی بیدریغ همه مردم زحمتکش و همه نیروهای انقلابی قرار خواهد گرفت.

شبکه ضدانقلابی پختیار به کلان سرمایه‌داران (بازار)، ملاکان بزرگ و روحانیون وابسته به این طبقات متکی است و تمام فعالیت‌های ضدانقلابی خود را در پوشش این طبقات انجام میدهد. هدف فعالیت این شبکه در لحظه کنونی «تشدید زمینه نارضایتی و بهره‌برداری از مشکلاتی است که در جامعه هست». لیبرالها نیز عیناً از این مشکلات و بزرگ کردن آنها برای تشدید زمینه نارضایتی بهره‌برداری میکنند.

ناگفته نگذاریم که انحصار طلبان و قشریون نیز با اقدامات تنگ‌نظرانه و تاریک‌اندیشانه خود بی‌دربی «مشکل» می‌آفرینند و به دست لیبرالهای مقیم و فراری بهانه میدهند.

کشف شبکه «پارس»، که بقول آقای ری‌شهری «حکایت از یک توطئه در حال تکوین علیه جمهوری اسلامی ایران دارد»، و اعتراضات دستگیرشدگان این سازمان، یک بار دیگر این حقیقت را به ما یادآوری میکند که امپریالیست‌های آمریکایی از سرما دست برنمیدارند و میکوشند با همکاری تمام نیروهای مخالف انقلاب (از فرج و رضاهلوی و اویسی و بختیار گرفته تا مدنی، نژی و مقدم مراغه‌ای در خارج و «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانیان» و ملی‌گرایان «اسلامی» و «مسلمانان» ملی‌گرا در

با این «تعدادی از روحانیان»، مثلث «تیمسار مدنی، نژی و مقدم مراغه‌ای» را تشکیل داده است. احاله این ماموریت به آقایان نامبرده نشان میدهد که رهبران ارکستر ضدانقلابی، که همان سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و اسرائیلی باشند، در بین اجزای مختلف ضدانقلاب تقسیم کار دقیقی انجام داده‌اند. این آقایان هر سه در دوران پس از انقلاب شاغل پست‌های حساسی در دستگاه دولتی بوده‌اند، «ملی‌گرا» و «مسلمانان»، نه ظاهراً وابسته به فرج و رضا پهلوی هستند و نه چون بختیار منصوب «اعلیحضرت شاهنشاه آریامیر» «مبین-پرستانی» هستند که از دست «آخوند‌های مرتجع» مجبور به «جلای وطن» شده‌اند و تماس گرفتنشان با آن «تعدادی از روحانیون» امری طبیعی و عادی است! آقایان بهترین پلی هستند که میتوان از آن برای برقراری ارتباط بین ضدانقلاب در خارج و داخل استفاده کرد.

عین همین نقش را لیبرالها در داخل بسود بازگشت حکومت سرمایه‌داران ایفا میکنند. شیوه‌های کار متفاوت است، اما هدف یکی است. بختیار دستور بمب‌گذاری میدهد، تا ثابت کند که حکومت قدرت اداره کشور را ندارد و لیبرالها مقاله مینویسند که همین را اثبات کنند.

نورالدین کیانوری:

از جلسه «پرسش و پاسخ» ۶۰/۲/۱۷

نقشه دوگانه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران

● امپریالیسم پاپیای هم دو نقشه را دنبال میکند: بازگرداندن حکومت فاشیستی اویسی ها و سپردن قدرت به لیبرال های جاده صاف کن ضدانقلاب

پرسش: حملات اخیر نشریه «مجاهد» را به حزب توده ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: ما آنچه تا به حال گفتنی بود درباره سازمان مجاهدین خلق ایران گفتیم. قصد ما در اینجا به هیچ وجه درهم شکستن این سازمان نبوده و نیست. تنها می خواهیم به مجاهدین خلق کمک کنیم که به راهی که به نظر ما نهنها به جنبش انقلابی و ضدامپریالیستی کشور ما، بلکه حتی به خود آن ها صدمه می زند، نروند.

بدبختانه عکس العمل سازمان مجاهدین خلق پراکنده نقشی که ما برای آن قائل بودیم، نبوده است. آخرین نمونه آن نیز هتاک های و تحریفات شماره «آخر» «مجاهد» است. برای مثال، جواب آن ها را به قسمتی از گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب ما به بلنوم هفدهم بگیریم، که مربوط به حقایق داری و ریشه های آن می بود. توصیه ما به مقاله نویسان «مجاهد» این است که اگر از گفته های ما نقل می کنند، لااقل حداقل صداقت را رعایت بکنند، به حذف قسمت های اساسی و تعیین کننده نپردازند. نتیجه گیری درباره مطالب تحریف شده، در جهت غرض ورزی کارساده است.

البته ما این رانسانه قدرت منطق و استدلال نمی دانیم. چون کسانی که به منطق و استدلال خود اطمینان دانه باشند، احتیاجی ندارند که به چنین سیوه های تحریف آمیز و به قول معروف «بازاری» متوسل شوند. امیدواریم که مجاهدین خلق در آینده توجه بیشتری به این امر داشته باشند، چون مردم رانمی شود مدت زیادی غافل نگه داشت. بالاخره حشم ها باز خواهد شد و تاریخ نیرومندتر از این ترند هاست.

پرسش: آیا «رویداد شور» یک انقلاب بود یا یک کودتا؟ جزایخی از نیروهای سیاسی ایران، که صادقانه علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه می کنند این قدر با افغانستان که همچنین مورد تجاوز آمریکا و دستیارانش قرار گرفته است، کینه توزانه دشمنی می ورزند؟

پاسخ: درباره سوال اول باید گفت که دو شکل مختلف می توانند محتوی یکسان داشته باشند و برعکس یک شکل نمایانگر محتوی های گوناگون باشد. این موضوع در مورد تحولات اجتماعی هم صادق است. مثلا در کشورهای سوسیالیستی، انقلاب به صورت های گوناگون صورت پذیرفته است، ولی محتوی همه آن ها ثابت بوده است. در مورد انقلاب های کیورهای رسد بایده، ح ملی - دیمترایک و ح با ستمگیری سوسیالیستی سر وضع چنین است.

برای نمونه مصر و ترکیه را بگیریم. در مصر یک ضربه نظامی از سوی

● هتاک و تحریف از سوی «مجاهد» نشانه قدرت استدلال و منطق نیست!

● نیروهای ضد امپریالیستی ایران رفته رفته واقعیت افغانستان را درمی یابند.

● بازگرداندن فاشیسم خواست حداکثر و نهایی امپریالیسم آمریکاست؛ لیبرالها تنها جاده صاف کن آن هستند.

● رهبری جبهه متحد خلق را تنها ترکیب آن در شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی تعیین میکنند.

یک گروه انقلابی، نظام ارتجاعی حاکم را درهم شکست و با پشتیبانی خلق یک رسته تغییرات سبادی را در مصر بدید آورد. در صورتی که در ترکیه چندماه پیش یک کودتای نظامی تنها دولت موجود را برکنار و نظام اجتماعی حکمفرما را تنبیت کرد.

خوب، در هر دو مورد در واقع رویدادی به شکل کودتا انجام گرفت ولی در مورد اول به انقلابی منجر شد و در مورد دوم یک کودتای نظامی ارتجاعی ماند.

برعکس، انقلاب هایی که در کوبا، ویتنام، چین، الجزایر، موزامبیک، آنگولا و بنین و غیره انجام شد به اشکال مختلف آغاز گشت، ولی دارای محتوی نسبتا یکسان بود، بدین معنی که تغییرات بنیادی را پایه نهاد.

در افغانستان هم نخست گروهی متشکل از نظامیان و افسران مترقی ارتش صرهای وارد آورد که بساط سلطنت را برچید و بانکیه بر مردم و به سود آن ها اصلاحات و سیریات بنیادی را آغاز کرد - تغییراتی که به انقلاب دمکراتیک - ملی انجامید. بنابراین، ما «رویداد شور» را به عنوان انقلاب آریایی می کنیم و برای آن در منطقه اهمیت زیادی قائل هستیم.

اما در مورد بخش دوم سوال، که چرا متاسفانه بخشی از نیروهای ضد امپریالیستی ایران، که علیه آمریکا هم به شدت مبارزه می کنند، نمی بینند که در افغانستان هم همین آمریکا و عوامل آن هستند که برای درهم شکستن حاکمیت انقلابی تلاش می ورزند.

در این باره تحلیلی، که روزنامه «کیهان» «کیهان» حندی پیش پیرامون افغانستان نوشت، جالب است. در مقاله «کیهان»، که به هیچ وجه نمی توان آن را «کمونیت» خواند (گرچه برای لیبرال ها و روزنامه های مانند «میزان»، «هرکه با لنین حای خورد هم کمونیت است!»، گفته می شود که از ۵۵ گروهی که در افغانستان علیه دولت می جنگند، تنها دو

گروه بواقع اسلامی و در خط امام خمینی هستند. از این بگیریم، که یکی از این دو گروه، که دارودسته آقای گلبدین حکمت یار باشد، به عقیده ما همان قدر ارتجاعی است، که آن های دیگر و تنها توانسته است بهتر از دیگران ماسک برچهره بزند، ولی به هر حال این خود پیشرفت بزرگی است. چون زمانی هرکه علیه دولت انقلابی افغانستان «مبارزه» می کرد، «ملی»، «غیر وابسته»، «انقلابی» و «ضد امپریالیست» ارزیابی می شد.

خوب یادمان هست که آقای قطب زاده این ها را برداشت و با خرج

خونتای نظامی

آرزانتین

مردی جدید را

بروی صحنه

می فرستد

"خونتا" نظامی آرزانتین مرد جدیدی را بر روی صحنه آورده است: ژنرال ادواردو ویولا. وی در آغاز سال ۱۳۶۰ ریاست جمهوری آرزانتین را بعهده گرفت. کابینه ویولا شش نظامی و هفت غیر نظامی را در بر میگیرد. آیا، بدینسان، فصلی نوین در سبادت پنج ساله نظامیان در آرزانتین آغاز میشود؟ آیا سیاست ضد کارگری دولت آرزانتین ادامه خواهد یافت؟

آرتوس فاوا، دبیر کل حزب کمونیست آرزانتین، در پاسخ به این پرسش ها، در جلسا اخیر کمیته مرکزی این حزب اظهار داشت:

"پاسخ به این سئوالات آسان نیست. توده مردم خواهان دگرگونی هستند. اما آنها که اهرم قدرت را بدست دارند و نظامیان می کوشند تا از چنین دگرگونی جلوگیری کنند و با لااقل آنرا محدود نگه دارند."

چنانکه خواهیم درباره ویولا، بر پایه موضعگیری هایش در زمان ویولا، (سلف او)، به قضاوت بنشینیم، باید بگوئیم که ویولا به آن جناح از نظامیان تعلق ندارد که به نام نظامیان ناسیونالیست و بینویشیست معروف هستند. ویولا نماینده نظامیانی است که علاقمندی محدود به «کشایشی دمکراتیک» نشان داده اند. ویولا تنها در گفتار، مدعی چنین علاقمندی بود.

وی آریکسو، به سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای دمکراتیک دست می یازد و از سیاست اقتصادی ضد کارگری پیروی میکند و، از سوی دیگر، دائم از گفتگو با نیروهای دمکراتیک سخن می گفت.

جالب اینجاست که نظامیان آمریکا دوست آرزانتین از پیروی از تحریم غله به اتحاد شوروی، که به ابتکار دولت کارتر اعمال شد، سرباز زدند، نه چندان به خاطر انگیزه های سیاسی، بلکه در درجه نخست بعلت مصالح اقتصادی و فشار دهقانان آرزانتین.

امکان و محدودیت «کشایشی دمکراتیک»

اینکه ادعای «کشایشی دمکراتیک» از سوی ویولا تاجه حد تحقق خواهد یافت، به موجب ارزیابی حزب کمونیست

نقشه در صفحه ۶

پرسش: چرا شما رهبری جبهه متحد خلق را به امام خمینی یا اصولا به خرده بورژوازی می خواهید بدهید؟

پاسخ: به نظر من اینجا سوء تفاهمی در میان است. رهبری دست ما نیست که آن را به کسی یا نیرویی هدیه کنیم.

مسئله بر سر این است که به عقیده ما در شرایط کنونی تشکیل جبهه متحد خلق ممکن و ضرور است. این جبهه باید همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی - کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی، پیشه وران و روشنفکران زحمتکش و غیره - را دربرگیرد. از نظر سیاسی، این جبهه طیف وسیعی خواهد بود که در یک طرف آن مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و در طرف دیگر پیروان راه سوسیالیسم علمی (مشمول بر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت)) قرار خواهند گرفت.

به نظرم چنین جبهه های می تواند امروزه و در شرایط مشخص کنونی تنها زیر رهبری امام خمینی، که دارای اعتبار و شخصیت ویژه ای در میان اکثریت قاطع مردم ماست، بوجود آید.

رهبری جبهه متحد خلق چیزی نیست، که از خارج بتوان بر آن تحمیل کرد. این ترکیب خاص خود این جبهه است که خود محصول شرایط مشخص اجتماعی - سیاسی روز است و ماهیت رهبری خویش را تعیین می کند.



کارگران اطو کش
جوراب تبریز:

اتحاد و یگانگی تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است

از زبان کارگران

تا امپریالیسم آمریکا هست،
جنگ و توطئه هم هست

مسئولان امر باید کارخانه نئون پلاستیک سازی را خود احیاء کنند!

از چندین ماه پیش، مزایای کارگران شرکت تابلونئون پلاستیک سازی از سوی کارفرما پرداخت نمی شد. کارفرما هر بار که در مقابل خواست های قانونی کارگران قرار می گرفت، از آنها می خواست که به او مهلت دهند. او یکبار مهلت سه ماهه خواست، ولی نته تنها بعد از سه ماه، بلکه پس از گذشت شش ماه از هم از پرداخت مزایای قانونی کارگران طفره رفت. کارگران، که تحس و اعصاب را در شرایط کنونی درست نمی دانند، تصمیم گرفتند از طریق قانونی و با شکایت به وزارت کار به خواست های خود حمله عمل ببخشند.

روز یازدهم فروردین ۶۰ کارفرما به کارگران اظهار داشت که از این پس شرکت تعطیل است. او دلیل اتحاد چنین تصمیمی را اینگونه توجیه کرد که چون تابلوسازی مثل گذشته رونق ندارد، بنابراین چاره ای جز تعطیل شرکت وجود ندارد.

یکی از کارگران به کارفرما گفت: "چطور تاییبش از عید کار بود، ولی حالا یک دفعه کارها تمام شده است؟" کارگر دیگری بنام پیدالله گفت: "۹ سال است اینجا کار می کنم. طی این مدت کارفرما از سودهای کلانی برخوردار شده است. حتی اوسالی دوبار به خارج از کشور سفر می کرد. حال او در مقابل خواست های برحق ما به بهانه متوسل شده است."

صاحب شرکت در پاسخ رو به کارگران کرده و گفت: "اگر کار هست خودتان شرکت را بگردانید، بشرط آنکه مخارج من و شرکت را تمام کسانی را که در ارتباط با من کار می کنند، بپردازید." کارگران این گفته کارفرما را حیل خود می دانستند، زیرا او بخوبی می دانست که اولاً: کارگران در مورد نحوه و کیفیت گرفتن کار با کسی تماس ندارند. ثانیاً: برای خرید نئون پلاستیک و مواد اولیه دیگر نیاز به سرمایه اولیه است، که آنها فاقد آن هستند. ثالثاً: مخارج صاحب شرکت و کسانی که در ارتباط با او کار می کنند، چند برابر مخارج شرکت و حقوق کارگران است. بنابراین کارگران پیشنهاد کارفرما را نپذیرفتند.

کارفرما سپس به کارگران اظهار داشت که روز ۶۰/۱/۲۴ مزایای آنها را پرداخت خواهد کرد. در آن روز همه کارگران به شرکت مراجعه کردند و طی گفتگو با کارفرما به توافق رسیدند که پس از دریافت مزایا کارخانه تعطیل شود. ناگفته نماند که عده ای از کارگران حاضر به تعطیل شرکت نبودند، ولی چون اکثریت کارگران با کارفرما به توافق رسیده بودند، دیگران اجباراً پذیرش آن تن در دادند.

پس از آن، کارفرما جک هایی به مبلغ ۴۰۰ و ۳۵۰ و ۳۰۰ هزار ریالی، نسبت به سابقه کارکرد کارگران، به آنان پرداخت و مسئله به این صورت خاتمه یافت.

مسئولان امر باید همزمان با بالا گرفتن زمره تعطیل شرکت از طرف کارفرما اداره امور شرکت را خود به عهده می گرفتند، تا در این شرایط حساس از پیوستن عده ای دیگر به خیل بیکاران جلوگیری به عمل می آوردند. برای اتحاد چنین تصمیمی هنوز دیر نیست.

"اصل ۴۴ قانون اساسی باید هر چه زودتر به مرحله عمل درآید. تا خیر در اجرای ملی شدن بازرگانی خارجی به دیگران گردن کلفت ها سود سرشار نخواهند برد. دولت باید با مسئله گران فروش قاطعانه برخورد کند. این خطری است جدی، که انقلاب را تهدید می کند."

نصرت در این مورد گفت: "من از مسئولان امر میخواهم که هر چه زودتر جلوی گرانی را بگیرند، چون درآمد ما خیلی کم است و گرانی ما را بکلی فلج کرده است. نگاه کنید، تمام دندان های ما افتاده است، ولی پول نداریم که دندان بگذاریم. دولت باید به خاطر ما که درآمد ما کم شده، شرکت تعاونی باز کند."

وضع بیمه و بهداشت

هیچیک از کارگران بیمه نیستند و گذشته از آن از محیط کار مناسبی نیز برخوردار نیستند. جعفر در این مورد گفت: "سابقاً اینجا کاروانسرا بود. در زمان طاغوت طی یک سری زد و بند با شهرداری اینجا را بصورت پاساژ درآوردند. روی این اصل به هیچ وجه موفقیت بهیچ شتی اینجا را در نظر نگرفته اند. حتی در اینجا دست شویی و توالت هم موجود نیست."

وی در مورد بیمه گفت: "دولت باید تمام کارگران کارگاه های کوچک را زیر پوشش بیمه درآورد و نیز کارگاه های کوچک را به صورت مجتمع درآورد."

هم درس و هم کار

اکبر جوانی است که ضمن کار در این کارگاه، درس هم می خواند. او در این مورد گفت:

"هر چند این کار مشکل است. ولی لازم است. امسال کتاب ها به علت عوض شدن دیربست ما رسید، در نتیجه هم به ما فشار وارد شد و هم به معلمان. متأسفانه برخی از معلمان مبارز و خوب ما را پاک سازی کرده اند و من امیدوارم که اینها هر چه زودتر سر کار برگردانده شوند و فقط وابستگان به رژیم گذشته پاک سازی شوند."

وی در پایان اظهار داشت: "عده ای به پیروی از دستور برژینسکی می خواهند مسیر انقلاب ما را منحرف کنند. ما وظیفه داریم که در مقابل آنها در تقویت خط امام بکوشیم. برای پیروزی انقلاب، همه باید علیه ضد انقلابیون، از مائوئیست ها گرفته تا بختیار و پالیزبان و اویسی متحد باشیم. بر همه واجب است که برای تعمیق انقلاب بکوشیم، تا انقلاب به هدف اصلی خود، یعنی رسیدن به حقوق واقعی زحمتکشان برسد."



اگر طرح جیره بندی در کار نبود، حسرت قندوروغن هم بردلما می ماند!

آمریکا محو نشود، مردم جهان آسوده نخواهند بود، آمریکایی خواهد بین ما تفرقه بیندازد، تا از این طریق به هدف های خود نائل شود. تنها اتحاد مردم است که می تواند به عنوان مشت محکمی بر دهان آمریکا باشد. اگر اتحاد باشد، همه چیز درست می شود."

بهرمیه بندی کردن کالاهای ضروری و ملی کردن بازرگانی خارجی

جعفر در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی گفت:

رژیم منحوس پهلوی با بخون کشیدن جنبش دموکراتیک آذربایجان در سال ۲۵ سندیگاهای ما را منحل کرد و کارگران را بجزم عضویت در سندیگا شکنجه کرد.

کسانی و بوزم که می کند. چون وارد کنندگان کالا دست به احتکار می زنند و کالا را با چند برابر قیمت واقعی به مصرف کنندگان عرضه می کنند. بهتر است دولت همزمان با ملی کردن بازرگانی خارجی، اقدام به تشکیل تعاونی های توزیع نیز بکند، تا کالا به قیمت عادلانه به دست مصرف کننده برسد."

وی در مورد جیره بندی کالاهای ضروری گفت: "این روش بسیار خوبی در جهت تثبیت قیمت ها و به نفع اقشار کم درآمد است، که قدرت خرید آنها در سطح پائینی قرار دارد. بهتر است به این کار عمومیت دهند و تمام کالاهای ضروری را "کوپنی" کنند."

اکبر در مورد این مسئله گفت: "اگر جیره بندی وسعت پیدا کند یعنی تعاونی های جدیدی هم به وجود بیاید، بهتر است. تعاونی های می توانند در مورد رفع مشکلات اقتصادی کمک بزرگی برای دولت باشند. اگر تعاونی ها توسط شوراهای محل و مساجد تشکیل شوند، بسیار ارزنده خواهند بود. اصغر در ادامه سخنان دوستش گفت: "اگر کوپن نبود، گردن کلفت ها هیچ چیزی برای ما باقی نمی گذارند و ما فقط حسرت قند و روغن می بردلما می ماند. اگر بازرگانی خارجی ملی شود"

است. صدام نیز از کمک دولت های مرتجع چون عربستان، پاکستان، مصر، اسرائیل، سودان، مراکش و غیره برخوردار است. صدام تصمیم داشت با حمایت آمریکا و کمک دولت های مرتجع "ایران آزاد" تشکیل دهد. وظیفه ما کارگران این است که در این جنگ به خاطر حفظ انقلاب و حفظ دستاوردهای آن شرکت کنیم. اتحاد و یگانگی تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار عراق است."

او همچنین گفت: "آنچه مسلم است، ما باید در این شرایط، علاوه بر شرکت در جبهه های جنگ به شایعات ضد انقلاب کوس

ندهیم. باید همواره هشیار باشیم، تا بتوانیم توطئه ها را خنثی کنیم. همه باید متحد دست به دست هم بدهیم، تا انقلاب را به پیش ببریم. تاکید می کنم روی این مسئله که، باید همه متحد باشیم تا موفق شویم."

نصرت، یکی دیگر از کارگران، که سی و پنج سال در این رشته سابقه کار دارد، گفت: "من حاضر حتی جان خود را فدای انقلاب کنم. حاضر به جبهه بروم. ما برای بیرون راندن صدام و آمریکا باید تا آخر مبارزه را ادامه دهیم. باید با تمام توان، تا آخرین قطره خون مبارزه کنیم. همانطور که امام خمینی گفتند: "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند."

اکبر، کارگر دیگری که روزها کار می کند و شبها درس می خواند، درباره جنگ گفت: "من با اینکه از خدمت سربازی معاف هستم، ولی به خاطر دفاع از انقلاب و میهن حاضر هر موقع که بخواهند به جبهه بروم. این جنگی است که آمریکا به ما تحمیل کرده است."

اصغر، که کارگر مستی است، گفت: "تا امپریالیسم آمریکا هست، توطئه هم هست. آمریکا هر روز یک توطئه جدید برای شکست انقلاب ما می چیند و این جنگ هم توطئه است. تا امپریالیسم

در تبریز بیش از پنجاه کارگاه اطو کشی جوراب وجود دارد که در هر یک از آنها، به تفاوت، از سه تا ده نفر کارگر کار می کنند. کار این کارگران اطو کشی جوراب های بافته شده است و از این جهت کارگاه ها بیشتر در جوار جوراب بافی ها قرار دارند. در این کارگاه ها جوراب را با ابتدایی ترین وسایل اطو می کنند و پس از بسته بندی به بازار عرضه می کنند. کارگرانی که در این رشته کار می کنند، از کمترین امکانات رفاهی برخوردار نیستند. محل کار آنها بیشتر در پاساژها و تیمچه های قدیمی است. آنها از کوچکترین امکانات بهداشتی بی بهره هستند.

برای آشنایی بیشتر با کار و زندگی این کارگران با چند تن از آنان به گفتگو نشستیم. جعفر یکی از کارگران گفت:

"ما در این کارگاه جوراب های بافته شده را اطو می کنیم. اگر بافته ها جوراب برای اطو کردن در اختیار ما بگذارند، ما کار خواهیم داشت، در غیر این صورت بیگاری ما نیم. مثلاً در فصل تابستان با کمبود کار مواجه هستیم. رضا، یکی دیگر از کارگران، گفت: "از وقتی که ما شین های خودکار بافندگی وارد بازار شده، کار ما از رونق افتاده است."

وی که سه ساله ای مدیدی در این رشته سابقه کار دارد، ضمن تاکید بر لزوم تشکیل صنفی کارگران گفت:

"در سال های ۲۴-۲۵ دارای سندیگا بودیم، ولی رژیم منحوس پهلوی بعد از به خاک و خون کشیدن جنبش دموکراتیک آذربایجان و شکست حکومت ملی آن، بیشتر سندیگاهای کارگری، از جمله سندیگای ما را منحل کرد. مزدوران رژیم حتی به جرم عضویت در سندیگا در بینی های ما آب نمک ریختند. ما تا بحال چند بار برای تشکیل سندیگا اقدام کرده ایم، ولی تا کنون موفق به ایجاد آن نشده ایم. اگر دولت به ما کمک کند، ضمن تشکیل سندیگا، میتوانیم به کار خود توسعه دهیم و به امر خودکفایی نایل شویم. سندیگا وسیله ای است که می توانیم به وسیله آن وحدت خویش را حفظ کنیم و انقلاب را به پیش ببریم."

جعفر در ارتباط با مسئله خود - کفایی گفت: "امروزه جوراب های مرغوبی در آذربایجان بافته میشود. مشکلی که این صنف با آن روبروست، کمبود برخی از وسایل اولیه مانند سوزن است. اگر صنعتگران ایرانی بتوانند به تولید آن بپردازند، یکی از مشکلات ما برطرف خواهد شد. خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب، جهاد سازندگی اقدام به تولید ماشین جوراب بافی کرده است و این خود کمک بزرگی است برای خودکفایی بودن. برای رسیدن به خودکفایی، به نظر من می توان از شوراهایی که قصد استعمار ما را ندارند، استفاده کرد."

کارگران و مسئله جنگ

جعفر در ادامه سخنانش ضمن اشاره به تجاوز رژیم صدام گفت: "این جنگ صد درصد توسط آمریکا جهان خوار به ما تحمیل شده

جشن اول ماه مه
روی عرشه یدک کش
فره مند بندر ماه -
شهر. در این
جشن کارگران
خدمت یدک کش
ها شرکت داشتند.



کارگران مبارز ایران!

در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر

با سلاح، از میهن انقلابی دفاع کنید!

تقویت پشت جبهه مکمل تقویت جبهه انقلاب است

ویژه روستاهای آذربایجان

لیکن اهالی با کمک بسیج و نیز اتحاد خود به ضدانقلاب فرصت توطئه را نداده و نمی دهند.

در این روستا آب لوله کشی و برق و حمام وجود ندارد.

روستائیان سمریقر امیدوارند که دولت و نهادهای انقلابی با رسیدگی به روستاهای کردنشین ضدانقلاب را خلع سلاح و روستائیان را در تقویت پشت جبهه یاری دهند.

وایقان

روستای وایقان یکی از روستاهای شبستر است. در جنوب آن صحرای بزرگ شورزاری هست که به دریاچه ارومیه منتهی می شود. زمینهای شمالی روستا مناسب کشاورزی است، لیکن روستائیان به حد کافی نمی توانند از زمینهای شمال روستا بهره گیرند. آنها در حال حاضر بر وسعت اراضی زراعی افزوده اند. اکنون کشت گندم ۱/۵- برابر پنج سال قبل است. حدود ۷ تراکتور و ۶ خرمنکوب در روستا وجود دارد که در مالکیت خصوصی است.

برای تامین ماسن آلات کشاورزی اهالی نیاز به یاری نهادهای دولتی و انقلابی دارند. استفاده از کود حیوانی در روستا معمول است، لیکن برای گسترش استفاده می کنند. کود شیمیایی نیز معمولاً به چند برابر قیمت اصلی در بازار فروش می رود. دولت سال گذشته مقداری بذر کشاورزی در اختیار مردم قرار داد.

یورتچی

در خانه شیر روستای یورتچی، ۵۵ کیلومتری اردبیل - ۱۴۵ خانوار (۱۱ خانوار بی زمین)، کوجهای گل گورن و پر از لجن رفت و آمدرا مشکل می کند و محیطی بیماریزا به وجود می آورد، بویزه که دسترسی به پزشک نیز بسیار مشکل است.

زنان روستا همگی بیسواد هستند به نازگی از سوی نهضت سواد آموزی کلاسی دایر شده است. شورا در این روستا تسکین نده است.

روستائیان با وجود فقر مالی از بذل هیچ کوششی در راه انقلاب دریغ ندارند. آنها افراد سقزی خدمت ۵۶ را به جبهه اعزام کرده اند و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد و مقداری کمک جنسی نیز به جبهه رسانده اند.

جهاد سازندگی در لوله کشی روستا کمک کرده و اهالی از نظر آب آشامیدنی در مضیقه نیستند. اهالی در انتظار ایجاد حمام و برق کشی و مرمت جاده هستند. نکته حائز اهمیت آنکه هیئت هفت نفری واگذاری زمین هنوز به روستا نیامده است. اهالی همچنین مشتاقانه چشم به راه ورود هیئت و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند.

کینه ورس

در روستای کینه ورس (۲۲ کیلو- متری جنوب اهر - ۵۰ خانوار، ۲۰۰۰ نفر جمعیت) اهالی خرده مالک و بی زمین هستند. ۱۰ الی ۱۵ نفر نیز اراضی ۵ تا ۱۰ هکتاری دارند. در این روستا چون اهالی در اتحاد و همکاری با هم زندگی می کنند، لذا به یاری هم نیازهای رفاهی خود را تامین می کنند، چنانکه روستا دارای آب، برق و درمانگاه و دبستان بنج کلاسه است. در این روستا مدرسه راهنمایی و نظری وجود ندارد.

روستائیان نقاط مختلف آذربایجان در انتظار اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی هستند. آنها خواستار امکانات کار و تولید و تهیه وسایل و ابزار لازم، تهیه آب و تسکین تعاونی هستند، که همه آنها برای رشد تولید و تهیه محصول بیشتر ضروری و حیاتی است و دولت انقلابی در این زمینه، وظیفه حساس و ویژه ای عهده دارد. با انجام این وظیفه باید به تحکیم انقلاب خدمت کرد.

روزی جوانان در جهاد سازندگی می گوید:

"زمانی ما بچه های شهری را بی دست و پا می دانستیم، ولی حالا این بچه های انقلاب ماشاالله همه کاره اند."

روستائیان طلا تپیه، علاوه بر اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی، خواسته هایی دارند که اهم آنها به قرار زیرند:

- خرید محصولات بطور عادلانه توسط دولت و قطع دست واسطه ها،
- تشکیل شورای ده با همکاری نهادها و مسئولین انقلابی (شورابه سبب دودستگی ایجاد نشده است)،
- تامین آب زراعی در تابستان (از این جهت اهالی در مضیقه هستند)،
- پرداخت وامهای کشاورزی طولی مدت جهت خرید ماشین آلات و تهیه کود و بذر مرغوب،
- آب لوله کشی و برق.

دول

دهستان دول از توابع شهرستان ارومیه و یکی از مناطق کوهستانی و کردنشین است. مرکز این دهستان دیزج دول است. دهستان دول بعلت وضع خاص منطقه مورد توجه ضد انقلابیون دارودسته قاسم و کوله است، لیکن توطئه های آنها همواره توسط روستائیان خنثی می گردد. در روستاهای درون کوهستان ها ضد انقلابیون تا حدی نفوذ کرده اند.

در روستای دیزج دول (۴۰ کیلومتری ارومیه - ۱۰۰۰ نفر جمعیت - ۶ خانوار بی زمین) متوسط زمین برای هر خانوار ۱۰ هکتار و کل اراضی روستا ۵۰۰ هکتار است. اراضی روستا توسط چشمه روستای شیطان آباد آبیاری می شوند. اگرچه ضدانقلاب سعی بسیار کرده است تا میان اهالی دیزج دول، که اغلب کرد هستند، نفوذ کند و منطقه را به آشوب بکشد لیکن روستائیان همواره گفته اند می گویند:

"ما همه با دل و جان از جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهیم کرد." روستائیان در تأیید گفته خود از جمله ۵۰۰۰ ریال به بسیج کمک کرده اند و نیز مبلغ ۵۰۰۰ ریال به منظور ایجاد باسگاه پرداخته اند.

در این روستا دبستان، مدرسه راهنمایی، و درمانگاه وجود دارد. شورا نیز در دیزج دول تشکیل شده است.

کنعان

در روستای کنعان (۴۳ کیلومتری ارومیه، ۳۰۰ نفر جمعیت)، اکثر اهالی خرده مالک هستند و ۱۰ نفر بی زمین نیز در روستا زندگی می کنند.

آبیاری اراضی مزروعی توسط چشمه صورت می گیرد. روستا سورا، مدرسه راهنمایی و درمانگاه دارد. عمده خواست های روستائیان، علاوه بر حل مسئله ارضی و اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی، از این قرار است:

- دسترسی به وسایل و امکانات کشاورزی،
- تامین ارزاق عمومی بقیمت مناسب،
- استفاده از برق و لوله کشی آب.

سمریقر

روستای سمریقر - از توابع دهستان دول و در ۴۳ کیلومتری آن قرار گرفته است (۷۰۰ نفر جمعیت - ۲۰ خانوار بی زمین) اکثر اهالی روستا را هموطنان کرد تشکیل می دهند. در روستای سمریقر نیز ضدانقلاب سعی در ایجاد اغتشاش و آشوب داشت،

کشاورزی انجام دهند. از بهره برداری درست از منابع خاک گرفته تا استفاده صحیح و متناسب از آب موجود، از رشتنه مهم دامپروری گرفته تا زمینه حیاتی مبارزه با آفات و تهیه سموم، از امور مالی و اعتبار گرفته تا امور برنامه ریزی، از امور درمانی و بهداشتی گرفته تا مسائل عمرانی و بهسازی، کارشناسان و خیرگان می توانند باید بار و یاور دهقانان و نهادها باشند و به همین انقلابی خدمت کنند.

برای بثمر نشستن مشارکت عمومی دهقانان زحمتکش و خدمت متخصمان امور ضرور است که دولت و نهادهای دولتی در حد توان وسایل و امکانات لازم را مهیا سازند. باید توجه داشت که تقویت پشت جبهه در واقع بمعنای تلاش برای خنثی کردن توطئه های دشمنان انقلاب و مکمل تقویت جبهه است. (در این صفحه، به منظور کمک به رفع برخی از مشکلات روستائیان زحمتکش آذربایجان، به مسائل چند روستا نظری می افکنیم.)

چالچوق

چالچوق در دوازده کیلومتری غرب اهر واقع است (قبل از انقلاب ۲۲۰ خانوار - در حال حاضر ۱۵۰ خانوار). اهالی محصولات خود را به سلف خرها می فروشند و این سلف خرها نیز از طریق فروش محصولات به تجار سود هنگفتی بدست می آورند. روستای چالچوق در منطقه کوهستانی قرار دارد و در اراضی دیم آن از تراکتور و ماشین استفاده نمی شود. لیکن اهالی بعلت نبودن جاده مناسب جهت حمل محصولات کشاورزی (بویزه انگور) به شهر در مضیقه هستند.

اوصالو

در روستای اوصالو (۲۴ کیلومتری شمال شرقی ارومیه، در دهستان نازلو - چای، جمعیت ۱۵۰ نفر)، اکثر اهالی دارای زمین از ۲ تا ۸ هکتار هستند. شورای ده اوصالو به اتفاق جهاد سازندگی امور زیر را انجام داده اند. شن ریزی کوجها، ایجاد سد کوچک، ساختن تعاونی، که بودجه آن قبلاتامین شده بود، ایجاد یک منبع آب.

اهالی همچنین می خواهند که در اوصالو جاه عمیق حفر گردد، کود شیمیایی و بذر و سم در اختیارشان گذاشته شود، درمانگاه و مدرسه و امکانات درمانی و آموزشی ایجاد شود از مزایای برق و آب لوله کشی - بر خوردار گردند و سرانجام برای جلوگیری از خرابی های ناشی از طغیان رودخانه نازلو، سد ساخته شود.

طلا تپیه

در روستای طلا تپیه (۲۴ کیلو- متری ارومیه ۲۳۰۰ نفر جمعیت ۳۰ نفر کم زمین و ۱۵ نفر خوش نشین) اهالی خواهان ورود هیئت هفت نفری واگذاری زمین و اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی هستند. آنان می گویند:

"ما می خواهیم که هیئت هفت نفری، همانطور که در اکثر جاهای دفع روستائیان کار کرده بسراغ ما هم بیاید، به گفته امام در اسلام ما کسی بعنوان فتوادل نداریم. شر فتوادل ها را از سر ما کوتاه کنید."

جهاد سازندگی در طلا تپیه فعالیت های چشمگیری داشته است و از جمله امور زیر را برای روستائیان انجام داده است:

- ایجاد استخر برای دام ها،
- لایروبی نهرا، حفر جاه عمیق،
- احداث دیوار مدرسه راهنمایی،
- یکی از روستائیان، با مشاهده از خودگذشتگی ها و فعالیت های شبانه

بنابر ماهیت و محتوی کار خود از خصلت دوگانه ای برخوردار هستند: از سوئی با نهادهای دولتی در ارتباط هستند و از جهت دیگر با روستائیان پیوند دارند و می توانند نیروی توده دهقانی را بسیج کنند و به نهادهای انقلابی، چون هیئت هفت نفری، در حل مسئله زمین و مشکلات کشت و دام و سازمان تولید و همچنین به جهاد سازندگی در عمران و آبادی روستا هایاری رسانند. نمونه روستای اوصالو، که در آن شورابه اتفاق جهاد سازندگی اقدامات مفیدی را به انجام رسانده است، می تواند سرمشق قرار گیرد.

باید کوشش شود که شوراهای متکی بر جمیع دهقانان تهیدست در تمام روستاها تشکیل شود و دقت لازم بعمل آید، تا عوامل و یاری بزرگ مالکان در شوراها رخنه نکنند.

دهقانان تهیدست نیز باید در تشکیل شوراها به افراد مطمئن و انقلابی و دیگر افراد دمو من عضو نهادهای دولتی و انقلابی تکیه کنند.

تشکیل تعاونیهای واقعی

مشکلات روستائیان در زمینه های تولید محصولات زراعی، توزیع و فروش آنها و نیز استفاده منطقی و مناسب از وسایل و امکانات کشاورزی و بر خوردهای از ارزاق عمومی با قیمت عادلانه و کافی کم نیست، ولی تجربه نشان می دهد که با تشکیل تعاونی ها و با تکیه بر مشارکت اکثریت روستائیان و نظارت ویاری دولت، این مشکلات قابل حل است. تعاونی باید توسط خود دهقانان و بسود خود آنها تاسیس گردد. هدف تعاونی ها سازمان دادن مشترک کار، یک کسبه کردن امکانات، اعطای خدمات و تامین مواد مورد نیاز اعضاء با رعایت حقوق دهقانان زحمتکش است، نه تحصیل حداکثر سود برای سرمایه. همچنین دولت انقلابی می تواند و باید به بهترین وجهی از طریق تعاونی و وظائف خود در قبال اقتصاد کشاورزی و کشاورزان زحمتکش انجام دهد و مسائل مورد نیاز کشاورزان، از قبیل کود، بذر، تراکتور و غیره را از این طریق در دسترس روستائیان قرار دهد و نیز محصولات آنها را با قیمت مناسب بوسیله تعاونی ها خریداری نماید و دست واسطه ها را کوتاه کند. در نقاطی که اینگونه تعاونی ها هنوز تشکیل نشده اند و مسائل و امکانات کار کشاورزی را میتوان از طریق شوراهای مردمی و نهادهای انقلابی در اختیار روستائیان مستحق قرارداد و بهمان وسیله دهقانان را راهنمایی و کمک کرد، تا داوطلبانه بر اساس مشارکت آگاهانه تعاونی های خود را، اعم از تولیدی، مصرفی یا فروش، تشکیل دهند.

بهره گیری از اطلاعات و تجارب متخصصان مومن به انقلاب

بهره گیری و استفاده هر چه بیشتر از اطلاعات و تجارب متخصصان انقلابی و طرفدار انقلاب، مکمل فعالیت های مردمی بخش همه نهادها و مسئولین انقلابی در زمینه های عمرانی، فرهنگی، بهداشتی و درمان، تولیدی و غیره است.

انقلاب در راه پیشرفت و نیل به هدف های خود باید بتواند از همه تخصص ها در خدمت این هدفها بهره جوید. همیار استفاده از صاحبان تخصص نیز جانب داری از انقلاب باید باشد. متخصصان می توانند در زمینه تولید کمک های شایان توجیبی به دهقانان در جهت مرغوبیت و افزایش محصول کنند. باید شرایط مناسب را آماده کرد. تا آنها، با تکیه بر امکانات نهادهای نیروی انسانی دهقانان، اقدامات مفیدی در جهت زمینه های مختلف اقتصاد و تولید

روستائیان محروم و انقلابی کشورمان همواره مدافع و نگهبان انقلاب و دستاوردهای آن بوده و هستند. دهقانان زحمتکش آذربایجان، هر زمان که دشمنان انقلاب قصد تهاجم به انقلاب را کرده اند، مردانه بپا خاسته و همراه با زحمتکشان شهرها در حفظ و حراست از آن مبارزه کرده اند. آنها اینک نیز به دفاع از انقلاب بزرگان مشغولند.

روستائیان آذربایجان در راه تقویت جبهه و پشت جبهه، با مشکلات و مسائلی روبرو هستند که اگر حل نشوند، در طول مدت تأثیر منفی خود را بر جای خواهند گذاشت. نمونه های این مشکلات عبارتند از: کار شکنی ها و سنگ اندازی ها، ایجاد آشوب و اغتشاش و بطور کلی توطئه جینی ها از سوی بزرگ مالکان و یاری آنها، عدم برخورداری از زمین، آب، و وسایل تولید و از خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی، تسهیلات ارتباطی با شهرها و غیره.

همه می دانند که این گونه موانع و مشکلات خود معلول غارتگری و چپاولگری امپریالیست ها و یاوران آن، رژیم گذشته و منقوری پهلوی، و در حال حاضر نیز بزرگ مالکان و حامیان آنان و دیگر دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است.

علیرغم تلاش های شبانه روزی اعضاء متعهد و دلسوز جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی و دولتی با خاطر عمران و آبادی روستاها و کمک به روستائیان، بسیاری از روستاها همچنان نشان شوم فقر و ویرانی را بر پیشانی دارند. وظیفه تمام افراد دمو من و معتقد به انقلاب و اهداف آن، زدودن این آثار شوم است. البته انقلابیون واقعی و روستائیان تهیدست بهیچوجه انتظار ندارند که آثار غارتگری های رژیم سفور گذشته و چپاولگری های بزرگ مالکان غاصب و کلان سرمایه داران، در یک کلام عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی، یک شبه بر طرف گردند و روستاها چهره های آباد را به خود ببینند. لیکن همه انقلابیون می طلبند که باید از طریق برنامه ریزی های همه جانبه و منطبق بر مصالح انقلاب، که مستلزم رفع عقب ماندگی ها و تقویت جبهه پشت جبهه و حمایت از زحمتکشان است، به این امر مهم دست یافتند. نخست به خدمات و وظائف نهاد های مختلف در راه زدودن نشان فقر و ویرانی از روستاهای آذربایجان نظری بیفکنیم.

هیئت های هفت نفری و اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی

هیئت های هفت نفری، به گواهی کارنامه ارائه شده از سوی ستاد مرکزی واگذاری زمین، تاکنون اقدامات مفید و شریخی در مسیر تقویت انقلاب انجام داده اند. لیکن نمر بخشی هر چه بیشتر کار آنها وابسته به اجرای تمام و کمال و فوری قانون اصلاحات ارضی و رساندن حق به حقدار، زمین به دهقانان است. همچنین لازمست که هیئت های هفت نفری به تمام روستاهای آذربایجان بروند جلوی فعالیت های مخرب بزرگ مالکان و حامیان آنها را بگیرند. در حال حاضر اربابان و عمال آنها به پهنه های مختلف می کوشند که از ورود هیئت ها و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند.

تشکیل شوراهای ده با تکیه بر نیروی دهقانان تهیدست

یکی از اقدامات مفید و موثر هیئت های هفت نفری واگذاری زمین تشکیل ۱۸۵۵۶ شورا در روستاها بوده است. در آذربایجان نیز در عده ای از روستاها شورا انتخاب شده است. شوراها

احداث «روستاها و شهرهای استراتژیک» - وسیله‌ای برای سرکوب خلق السالوادور

عرض ۱۸ ماه "شرکت کند. احداث ۱۵ هزار "روستای استراتژیک" هسته اصلی این برنامه را تشکیل می‌دهد. برپایه این برنامه، می‌بایست همه دهقانانی، که در مناطق زیر کنترل پارتیزان‌ها زندگی می‌کردند، در این "روستاها" متمرکز یابند و تحت نظارت سیاسی و نظامی آمریکایی‌ها و مزدوران سایکون نشین آنها قرار گیرند.

در آن هنگام، بیش از ۸۰ درصد مردم ویتنام جنوبی در روستاها زندگی می‌کردند و اکثریت عظیم آنها خویش را در نبرد آزادیبخش ملی سپیم می‌دانستند و به پارتیزان‌ها کمک می‌رساندند. البته تدوین کنندگان و مجریان برنامه نامبرده میدانستند که دهقانان ویتنامی حاضر نیستند داوطلبانه رهسار این اردوگاه‌ها شوند از اینرو، دستور میدادند که دهات آنها را یکباره محاصره کنند، ساکنان را در گوشه‌های گرد آورند، کلبه‌های آنها را آتش‌بزنند و کشتزارهایشان را ویران سازند. هر کس که به مقاومت می‌پرداخت، بیدرنگ به هلاکت میرسید. آنگاه دهقانان به محلی برده میشدند، که قرار بود "روستاهای استراتژیک" در آنها احداث گردد. در این محل، آنها را مجبور می‌کردند که نخست به حفر خندق و کشیدن سیم خاردار و سپس به ساختن کلبه‌های محقر بپردازند. ورود به اردوگاه و خروج از آن تحت کنترل دقیق قرار میگرفت و هر کس پس از ساعت ۷ بعد از ظهر بیرون از "روستای استراتژیک" دیده میشد، بلافاصله به ضرب تیر از پای در می‌آمد.

چنین مقرراتی امروزه در السالوادور نیز حکم فرما شده است و تنها دهات هم نیستند که مشمول آن میگردند. در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، هر کس، که پس از ساعت ۷ بعد از ظهر پای از خانه خود بیرون بگذارد، بی‌درنگ هدف تیرمباران سربازان "خونتا" قرار می‌گیرد. بدینسان، هر شب دهها تن السالوادوری بیگناه نیز، که به هیچ روی در نبرد مسلحانه شرکت ندارند، به قتل میرسند. از سوی دیگر، منع عبور و مرور و آزادی تیراندازی شبانه، به دستخیزان "خونتا" امکان میدهد که در پناه خاموشی به خانه‌های مردم هجوم برند و به فجیعانه‌ترین جنایات مبادرت ورزند. جسد‌های بی‌شماری که هر روز صبح در گوشه و کنار خیابان دیده میشود ظاهر آکسانی بوده‌اند که مقررات منع عبور و مرور شبانه را رعایت نکرده‌اند. بدین ترتیب، در السالوادور "مشاوران آمریکایی" "خونتا" پیش از تکمیل برنامه "احداث روستاهای استراتژیک"، به ساختن "شهرهای استراتژیک" نیز پرداخته‌اند.

اهترازهای ایالات متحده آمریکا بار دیگر یکی از نقشه‌های کهن "پنتاگون" را، که نخستین بار در جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام بکار برده شد اینبار در السالوادور جامه عمل می‌پوشاند. "مشاوران" "خونتا"، که بر خلق این کشور کوچک آمریکای مرکزی ستم ددمنشانه می‌راند و هر روز دههاتن میهن دوست السالوادوری را به هلاکت میرساند ایجاد باصطلاح "روستاهای استراتژیک" را آغاز کرده‌اند. هدف آنها آنست که با تمرکز سکنه در مناطق ویژه، مردم السالوادور را از کمک‌رسانی به چریک‌های انقلابی بازدارند. طبق "مدل ویتنام"، "آنگاه نواحی پاک-سازی شده" بعنوان "مناطق تیراندازی آزاد" اعلام خواهد شد و هر آنچه که بجنید، هدف تیر قرار خواهد گرفت. چنانکه میدانیم، هواپیماهای آمریکایی، در ویتنام جنوبی، مناطق وسیعی را، بدینسان، با بمب و ناپالم با خاک یکسان کردند. برخی از جنگل‌ها و سایر ازارها چنان آلوده شدند، که حتی امروزه نیز قابل استفاده نیستند و به تدریج ویتنامی‌ها آسیرب میرسانند.

اینگونه ناپالم‌ها و مواد سمی اکنون در نبردهای دزخیمان السالوادور با پارتیزان‌های "جبهه آزادیبخش ملی فارابون دودواری" نیز بکار برده می‌شود. "مشاوران آمریکایی" "خونتا" نزدیک شهر سوچی توتو تعدادی "روستای استراتژیک" احداث کرده‌اند، که در آن بیش از ۲۰۰۰ کودک ترمکز یافته‌اند. این روش‌های ددمنشانه سبب شده‌است که تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر السالوادوری به کشورهای همسایه، بویژه هندوراس، بگریزند. "مبتکران روستاهای استراتژیک" نیروهای استعمارگر بریتانیا بودند، که نخستین بار در جنگ سرکوبگرانه خود علیه مردم مالایا (۱۳۲۷-۱۳۲۵) کوشیدند تا، با دست‌یاری به این تاکتیک مردم را از مبارزان ضد استعمار دورنگه دارند. اما این تلاش‌ها بی‌ثمر ماند و بریتانیا، پس از جنگی سبعانه، سرانجام مجبور شد که در برابر خواست مردم مالایا تسلیم گردد و استقلال این کشور را بر رسمیت شناسد.

علیرغم این تجربه ناموفق، اویجین استیلی، یکی از استادان "دانشگاه استنفورد" (آمریکا) در سال ۱۳۴۰ بار دیگر به یاد اندیشه "روستاها" استراتژیک افتاد. استیلی به موفقیت این اندیشه ایمان و اعتقاد کامل داشت و معتقد بود که علت شکست این تجربه در مالایا، تنها تدارک ناکافی و اجرای ناشایسته آن از سوی بریتانیایی‌ها بود. استاد "دانشگاه استنفورد" از طرف "پنتاگون" ماموریت یافت که در تدوین برنامه "آزادی جنوب ویتنام در

درباره یک سفسطه در منطق راجع به «جزء» و «کل» و «کلنی» و «جزئی» و نتایج اسلوبی این سفسطه

این درختان دارای یک سلسله‌وجه مشترک در رده بندی وجودند، یعنی: ۱- گیاهند (نه حیوان یا جماد). ۲- از لحاظ مختصات فردی، که ذکر کردیم، بهم شبیهند. اگر کل (مجموعه اجزاء) و کلی (انتزاع نوعی) را از منطق بشری حذف کنیم، که تفکر انسانی محال می‌شود و

کل را منکرند، به این بهانه که این قوانین را در اجزاء نمی‌بینند. کل یک جمع مرتبط است، یعنی اجزاء و عناصر ترکیب‌کننده یک توده بی‌شکل را بوجود نمی‌آوردند، بلکه یک مجموعه، یک منظومه، یک سیستم، یک دستگاه بهم مربوط را، که دارای عملکرد ویژه‌ایست، بوجود می‌آوردند.

کل تنها مجموعه‌ای عددی از اجزاء و عناصر مرکب‌کننده آن نیست، بلکه خود آن دارای مختصات ویژه‌ایست. کل غیر از کلی است، کلی یعنی مفروض انتزاعی از اشیا و پدیده‌های همانند.

معرفت و شناخت ما با هر دو پا خواهد لنگید. یعنی: اگر کل را جمع عددی اجزاء بدانیم، که قوانین را کشف نمی‌کنیم. اگر کلی را منکرشویم، که واژه‌ها و مفاهیم را نمی‌توانیم بسازیم و قدرت تفکر را از خود سلب می‌کنیم. لذا کل وجود دارد و دارای قوانینی است، که غیر از جزء است. و کلی در انتزاع ذهنی ما وجود دارد و ما به یاری آن فکر می‌کنیم. البته ما مانند افلاطون بر آن نیستیم که کلی در عالم خارج وجود دارد، ولی آنرا از تعمیم مشاهدات و تجارب خود در عالم ذهنی بدست می‌آوریم و بان "مفهوم" می‌سازیم. چون این دو سفسطه (انکار نقش خاص کل و انکار وجود کلی) و خلط و لوث تفاوت کل و کلی، ممکن است در بحث‌های نظری تکرار شود، لذا ما برای توجه همه دوستان، آنها را مطرح می‌سازیم. کسی که سفسطه خود را از این انکار آغاز می‌کند (کاری که سفسطه بازی محض است) می‌تواند طرف خود را - اگر متوجه نباشد - سردرگم کند.

سفسطه دیگر در باره کلی است. برخی‌ها می‌گویند: کلی وجود ندارد. می‌گویند: انسان کلی کجاست، بما نشان بدهید! مافقط از درخت‌ها و انسان‌های مشخص خبر داریم. کلی یک امر موهومی است. ابتدا باید گفت که کل و جزء با کلی (عام) یا مجرد و جزئی (خاص) یا مشخص تفاوت دارد. منظور ما از کل جمع بهم پیوسته اجزاء است. اما مقصود ما از کلی مفهوم انتزاعی در ذهن ما از یک رشته اجزاء مشخص هم‌نوع است، که از آن مفهوم (یا واژه) بوجود می‌آید. در واقع درخت در خارج از ذهن ما وجود ندارد. آنچه وجود دارد این درخت یا آن درخت همین در زمان و مکان همین است. ولی ما می‌آئیم و با توجه به جهات مشترک همه درختان (ریشه، ساقه، شاخه، برگ، میوه، گل و غیره) مفهوم کلی "درخت" را بوجود می‌آوریم. مفهوم کلی درخت، هم درخت سبب، هم نارون، هم افرا، هم درخت بادام، هم درخت باقوباب، هم سوزنبرگ و هم پهن‌برگ و غیره و غیره را در بر می‌گیرد، زیرا همه

در برخی بحث‌های نظری، وقتی یک مارکسیست مثلا از اصول دیالکتیکی حرکت و تغییر در واقعیت سخن می‌گوید، طرف بحث گاهی می‌گوید: "شما این اصول تجریدی و کلی را از کجا آورده‌اید؟ ما آنرا در پدیده‌های مشخص و منفرد، در اجزاء طبیعت یا اجتماع نمی‌بینیم." این سفسطه، یعنی میدل کردن "کل" به اجزاء ترکیب‌کننده آن کل، و سپس انکار مختصاتی که ویژه کل است (و در اجزاء نیست) یک روش سفسطایی قدیمی است. مثلا کسی ممکن است به شما بگوید: برش - مگر دریا از قطرات آب تشکیل نمی‌شود؟ پاسخ درست است. دریا از قطرات آب تشکیل می‌شود. برش - پس چطور شما مدعی می‌شوید که در دریا می‌توان کشتی رانی کرد، یا دریا طوفانی می‌شود، یا در دریا نهنگ زندگی می‌کند؟ من هیچ قطره آبی ندیدم که بتوان در آن کشتی رانی کرد یا طوفانی شود یا نهنگ بتواند در آن زندگی کند!

روشن است که این سفسطه است، زیرا کل قطرات فقط جمع قطرات نیست و مختصات تازه‌ای کسب می‌کند. مثلا پدیده‌هایی مانند "انقلاب"، "جنگ" و "صلح"، "بحران اقتصادی"، "مبارزات طبقاتی"، که در کل افراد (اجتماع) روی می‌دهد، در "فرد"، که اجتماع از آنها تشکیل شده‌است، روی نمی‌دهد. یا مثلا در یک آجر نمی‌توان خانه کرد و لسی در آجرها (که از آن خانه ساخته می‌شود) می‌توان مسکن گزید و غیره و غیره. مثل آنگاه این مطلب بحدود دکانه‌ای ساده‌است. با اینحال کسانی پیدامی - شوند که قوانین و مختصات کل، یعنی جمع مرتبط اجزاء و عناصر ترکیب‌کننده

خونتای نظامی آرژانتین مردی ...

مبارزه در راه «توافق دمکراتیک»

با تفسیر دولت در درون "خونتا"ی آرژانتین و با توجه به این واقعیت که ترکیب نهایی آن، به علت مبارزه جناح‌های مختلف نظامیان بر سر قدرت هنوز معلوم نیست، بیکار نیروهای دمکراتیک برای دستیابی به "توافق دمکراتیک" هر چه بیشتر حثت یافته است. منظور یافتن "نخسرخ" است، که از میان هم‌افشار اجتماعی، احزاب و سازمان‌های دمکراتیک، کلیسا و نظامیان مترقی بگذرد.

داشته است که ۱۵۰۰-۱۸۰۰ کارگر را اخراج خواهد کرد. کارخانه "دویس" تا پایان سال جاری بکلی تعطیل خواهد شد. با توجه به گسترش نبردهای کارگری در ماه‌های آینده هم اکنون شاهد نخستین گام‌ها در راه احیای "کنفدراسیون عمومی کارگران" هستیم. یادآور می‌شویم که پس از کودتای پنج سال پیش نظامیان، این سازمان منحل و غیر قانونی اعلام گشت.

آرژانتین بستگی به عوامل گوناگون دارد: (۱) وسعت و عمق جنبش توده‌ای و بعد مبارزات آن، (۲) سطح همکاری نیروهای دمکراتیک، (۳) پیوند فراخواری میان بخش غیرنظامی و بخش‌های مترقی نظامی.

زبانبار است که در پیکار برای دگرگونی‌های دمکراتیک، قطب‌های نظامی و غیرنظامی را در برابر یکدیگر قرار دهیم. این گفته‌ها، دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین، که سال میلادی ۱۹۸۱، به هر حال سالی سیاسی تر و پرتب و تاب‌تر خواهد بود، هم اکنون صحت خود را اثبات کرده است. ستیزه‌های اجتماعی و جنبش‌های اعتصابی در آرژانتین افزایش یافته‌است. کارگران و احزاب دمکراتیک آرژانتین از سیاست اقتصادی وزیر کنونی اقتصاد این کشور، مارتینس دهنوس که تنها در راستای منافع انحصارهای خارجی بوده‌است، به انتقاد شدید پرداخته‌اند.

وضع ناپسامان کارگران آرژانتین

در سراسر آرژانتین، کارگران علیه افزایش بیکاری، کاهش دستمزد واقعی، بالا رفتن هنگفت هزینه زندگی و سرکوب آزادی‌های سندیکایی به اعتصاب دست زده‌اند. طبقه کارگر آرژانتین خود را برای ستیزه‌های اجتماعی خروشان آماده می‌سازد. برای نمونه کمیانی "پوژو" اعلام

"گشایش دمکراتیک" سیاست تنها یک جناح "خونتا"ی حاکم است. جناح دیگر، جناح پینوشیست‌ها، هم در آرژانتین بیکار ننشسته است و کماکان مایل است که هرگونه مقاومت خلق را درهم کوبد. اینجاست که بسیج‌گسترده توده مردم و مبارزه متحد آنها اهمیت حیاتی خود را نشان میدهد. نباید این توهم را داشت، که ویولا به دگرگون‌سازی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی دست خواهد زد. رئیس‌جمهور جدید، چند روز پیش از احراز سمت خود، به دیدار ریگان شتافت و مسلما از "رهنمود" های او بهره‌گرفت. از سوی دیگر، ویولا دیگر نخواهد توانست خواست‌های مردم آرژانتین را بکلی نادیده بگیرد.

حزب دمکراتیک آرژانتین (پرونیست‌ها، دمکرات‌های مسیحی و کمونیست‌ها، که تا به امروز غیر قانونی هستند) دولت ویولا را فرا خوانده‌اند که چنانچه در اعلام فرم‌های دمکراتیک صداقت دارد، مردم را از سر نوشت بیش از هزار "مفقود" آگاه سازد. "خونتا"ی ویولا، در گذشته، میخواست زیر شعار "بگذارد گذشته را دفن بکنیم"، مسئله ناپدیدشدگان را به فراموشی بسپارد. ویولا مایل بود این فکر را به مردم القا کند که مبارزه با "تروریسم" (بخوان: جنبش دمکراتیک مردم) بویژه از آن جهت ضرورت دارد که "صلح داخلی" استقرار یابد. امروز طیف وسیع نیروهای دمکراتیک و اکثریت عظیم مردم آرژانتین بیش از همه وقت عزم آن را دارند، که مبارزه خود را در راه استقرار آزادی‌های دمکراتیک و حقوق بشر گسترش دهند. اعلام آدولفو پیرس اسکول، به عنوان برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۸۰ عامل مثبتی برای انگیزش پیکار در راه دگرگونی‌های سیاسی در آرژانتین بود.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی:

آیا اقتصاد اسلامی این است که بازار در قبضه عده‌ای سرمایه‌دار باشد که خون مردم را بکشد؟

★ به وضع بحرانی سیستان و بلوچستان رسیدگی کنید.
 ★ دولت چگونه می‌خواهد مالکیت تعاونی را در جامعه پیاده کند؟
 ★ چرا زمین زمینداران بزرگ به کشاورزان واگذار نمی‌شود؟
 ★ برهان‌الدین ربانی، رهبر یکی از گروه‌های افغانی، که دیوارهای تهران از پوسته‌های وی رنگین است، قبل از تشکیل کنفرانس طائف با سادات ملاقات کرد.
 ★ بعد از کنفرانس طائف، آوارگان افغانی از پاکستان به ایران سرازیر شدند.
 ★ لایحه حذف فرمان همایونی تصویب شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار تعیین حدود مالکیت و حل این مسأله بنفع «کوخ‌نشینان» شد.

نخستین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، مرتضی اعظمی لرستانی، نماینده خرم‌آباد، ضمن سخنانش خواستار اجرای اصل ۳۷ قانون اساسی (اصلی بر پراخت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت شود)، و اصول ۲۴ و ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی مطبوعات و تشکیل اجتماعات، شد. وی سپس ضمن اشاره به قانون پاکسازی گفت:

«این قانون بمنظور اخراج اشخاص سواراکی و ناصالح و کم‌کار ضرورت تصویب پیدا کرده است.»

اعظمی سپس، ضمن ارائه فتوایی احکام پاکسازی عده‌ای از کارمندان آموزش و پرورش لرستان، از وزیر آموزش و پرورش خواست که با اقدام انقلابی جلوی پاکسازی ناپسند افراد را، که باعث یاس و ناامیدی آنها می‌شود، بگیرد.

دومین ناطق پیش از دستور، عبدالواحد موسوی، نماینده لرستان، درباره سیر توطئه‌های آمریکا سخن گفت. وی ابتدا توطئه‌های مختلف آمریکا، از روی کار آوردن بختیار و «نفوذ عناصر وابسته به آمریکا یا طرفدار آمریکا» در دولت موقت، تا «حمله نظامی پس، کودتای نوزدهم و جنگ تحمیلی عراق» را برشمرد و تاکید کرد که «امروز آمریکا تمام همتش اینست که مشروعیت جمهوری اسلامی را مورد تردید قرار دهد».

ناطق سپس ضمن برشماری فعالیت‌های ضدانقلاب، توضیح داد که هدف آمریکا از این اقدامات، بی‌اعتماد کردن مردم به توانایی مسئولین در اداره کشور و جایگزین کردن «عناصری که با خط عملی آمریکاهانگ باشند» است.

نماینده لرستان سپس ضمن اشاره به روشن بودن خط حرکت آمریکا، از مسئولین پرسید: «مگر روزنامه‌ها امروز باز هم همان مطالب تشنج‌آفرین را مطرح نمی‌کنند؟ هیات سه‌نفره حل اختلاف کجا رفته است و چه می‌کند؟ چرا این مسائل را بررسی نمی‌کنند؟ چه شد آن پرونده‌هایی که می‌گفتند داستانی انقلاب تنظیم کرده‌است؟ چرا به این مسائل توجه نمی‌شود؟ اگر واقعا راست است که عناصری بدون توجه به قانون و خودکامه عمل می‌کنند، چرا قوه قضائیه مملکت وارد صحنه نمی‌شود و جلوی این بی‌بندوباری‌ها را نمی‌گیرد؟»

وی سپس هشدار داد که آمریکا قصد دارد «مردم ما را از حاکمیت بیدار کند» و مجلس را از صحنه خارج کند. ناطق سپس بعضی اختیارات مجلس از جمله حق تحقیق و تفحص در همه امور، رسیدگی به شکایات مربوط به قوای سه‌گانه، حق استیضاح نخست‌وزیر و وزیران و حق احضار رئیس جمهور و حق «رای به عدم کفایت سیاسی وی» را برشمرد. وی همچنین تاکید کرد که تلاش برای ناراضی کردن مردم از بیرون و درون مرزها و از داخل دستگاه‌های اجرایی است.

ناطق آنکاه گفت: «برای مردم ما مطرح است که چرا حیات رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفین هنوز بیان کار نداده است و اعلام نکرده است که این بنیاد چیست و چه کرده‌است و چه خواهد کرد؟»

عبدالواحد موسوی سپس دلیل سکوت هیئت حل اختلاف و دادستانی کل را پرسید و گفت:

«برای مردم مطرح است که اصول قانون اساسی کی اجرا می‌شود؟ اصل ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی کی می‌خواهد عمل شود؟ دولت برای مالکیت‌ها چه فکری کرده است؟ برای مالکیت‌های کلان چه طرحی دارد و چگونه می‌خواهد مالکیت تعاونی را در جامعه پیاده کند؟»

وی آنکاه با اشاره به اینکه «دولت تاکنون موضع انفعالی داشته است» و «هرگز بنیادی کار نکرده است» و «شاید مجلس نیز در اینکار سبیم باشد»، پرسید:

«این اقتصاد اسلامی که اینهمه از آن دم‌زیم، کجا رفته است؟ آیا اقتصاد کاسخا در برابر کوخبا است؟ آیا اقتصاد اسلامی اینست که بازار در قبضه عده‌ای سرمایه‌دار زالوصف باشد و خون مردم را بکشد؟ آیا این اقتصاد اسلامی است؟ چرا آن جو کاذب علیه بند «ج» اصلاحات ارضی ایجاد شد و چرا زمین زمینداران بزرگ به مستضعفین و کشاورزان محروم واگذار نمی‌شود؟ وی پس از آن، ضمن تاکید مجدد بر اینکه خط آمریکا ایجاد شک در مشروعیت جمهوری اسلامی ایران است گفت:

کم‌کاریها، بی‌عرضگیها و احمقانگی سهل‌انگاریهای ما ممکن است (به خط آمریکا) کمک کند.»

عبدالواحد موسوی در پایان گفت: «این آخوندهایی که تا دیروز دم‌فروسته بودند و امروز نعره‌زنان در قم و مشهد پیدا شده‌اند و برای اسلام یقه‌چاک می‌کنند، اینها کجا بودند و چرا دادگاه‌های انقلاب، اینها رسیدگی نمی‌کنند؟ چرا دادگاه‌های انقلاب در برابر اینها ساکت شده‌اند؟ آیا فرق است بین آن آخوندی که عمده‌ها بسر دار توطئه انقلاب فعالیت می‌کنند و آن کسی که عمده ندارد؟ من فکر نمی‌کنم که اسلام چنین چیزی بگوید.»

سپس محمدعلی تاتاری، نماینده زاهدان، درباره توطئه‌های خانها و ضدانقلاب در استان سیستان و بلوچستان، توضیحاتی داد. وی از جمله گفت: «نطفه همه بصرانهای این منطقه (سیستان و بلوچستان) قبل از پیروزی انقلاب توسط امپریالیسم آمریکای انگلیس و ایادی آنها گذارده شده‌است و کنفرانس خائنه قاهره و طائف، مقدمه‌ای برای زایش آن بود.»

وی افزود: «کمیسیون چند روز قبل از تشکیل کنفرانس طائف به قاهره سفر کرد و ملاقاتی با سادات و فرج داشت. همزمان با آن پرفسور برهان‌الدین ربانی، رهبر یکی از گروه‌های افغانی که آمریکا دیوارهای تهران را از پوسته‌های ایشان رنگین کرده، به‌راه نماینده یک گروه دیگر که هنوز دقیقا شناخته نشده، در قاهره حضور داشتند و ملاقاتی با سادات خائن داشتند.»

ناطق افزود: «این اصولی بنظر می‌رسد که این پنج‌نفر جلسه مشترکی را ترتیب داده باشند، زیرا ما ناظر بودیم که مدتی پس از این جلسه و کنفرانس طائف، سیل آسا برادران اهل تسنن آواره افغانی از اردوگاه‌های خود در پاکستان به این منطقه سرازیر شدند.»

نماینده زاهدان سپس به «مسافرت‌ها و مذاکرات مشکوک و مخفیانه و علنی برهان‌الدین ربانی به منطقه رفقار مرزونه بعضی از این افراد اشاره کرد. وی آنکاه درباره سفر اخیر مفتی‌زاده به استان سیستان و بلوچستان گفت:

«امروز از ناحیه مستضعفین منطقه‌ایم از فارس و بلوچ و سیستانی، با همه فشاری که از نظر اقتصادی بردوش آنهاست و تنها پشتیبانان و وارثان بحق انقلاب و پیروان راستین خط امام هستند، این سؤال مطرح است که مسافرت اخیر برادرمان مفتی‌زاده به این استان و مذاکرات خصوصی و سخنرانیهای نیمه‌عمومی ایشان بخصوص در زاهدان و خاش و ایرانشهر، به چه منظوری بوده است و چه مسائلی مطرح شده که ضد انقلاب میدان فعالیت پیدا کرده و دست به ترور مولوی حسین‌زاد و موجب شهادت وی و ۳۲ نفر دیگر از سربازان اسلام گردید.»

نماینده زاهدان افزود: «امروز خون مستضعفین منطقه بجوش آمده و خواستار برخورد اصولی به این مسائل هستند و اگر خود اقدام خواهند کرد. علاوه بر این مردم خواهان کنترل دقیق مرزها و تقویت پاسکها و تقویت هر چه بیشتر سپاه و جهاد هستند. مردم خواهان مبارزه جدی با خانها، قاچاق و قاچاقچی، با عوامل ضدانقلاب و تعیین تکلیف وضعیت گروه‌های ضدانقلاب در منطقه، که اکثرا توسط خانها سازماندهی شده‌اند، هستند.»

وی همچنین گفت: «مردم خواهان سازماندهی و حمایت دائمی و مستمر از مستضعفین بخصوص کشاورزان در منطقه هستند، تا روحیه انقلابی آنها، با توجه به شرایطی که پیش آمده، حفظ شود و بتوانند خود در برابر خانها بایستند، زیرا معتقدند که چاقی خانها حاصل غارت دسترنج و مکیدن خونهاست.»

ناطق در پایان از توجهات اخیر دولت به این استان و افزایش بودجه آن به ۳ برابر سال قبل، تشکر کرد.

سپس حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی توضیحاتی درباره لایحه «حذف فرمان‌های یونی» داد. وی تاکید کرد که در مشورتی که توسط نخست‌وزیر و دوفت از اعضای شورای نگهبان، با امام خمینی در این مورد صورت گرفته است، ایشان تکلیفی تعیین نکرده‌اند. رئیس مجلس از امام خمینی نقل قول کرد که: «هر چیزی را که مجلس با امضای شورای نگهبان تصویب کند، بی‌وجه و بی‌حقی ندارد در آن خنده‌وارند.»

پس از آن مجلس وارد دستور شد و پیشنهادهای نمایندگان درباره لایحه «حذف فرمان‌های یونی» بررسی شد. پس از بررسی پیشنهادها، درباره کل لایحه رای گیری بعمل آمد و با ۱۲۷ رای موافق، از مجموع ۱۸۲ رای، به تصویب رسید. آنکاه اعلام تنفس شد.

پس از پایان تنفس، درباره تفویض اختیار تصویب لایحه «اخذ هزینه صدور پروانه دریانوردی» به «کمیسیون امور اقتصادی و دارائی» برای مدت ۲ سال، بحث شد و به تصویب رسید.

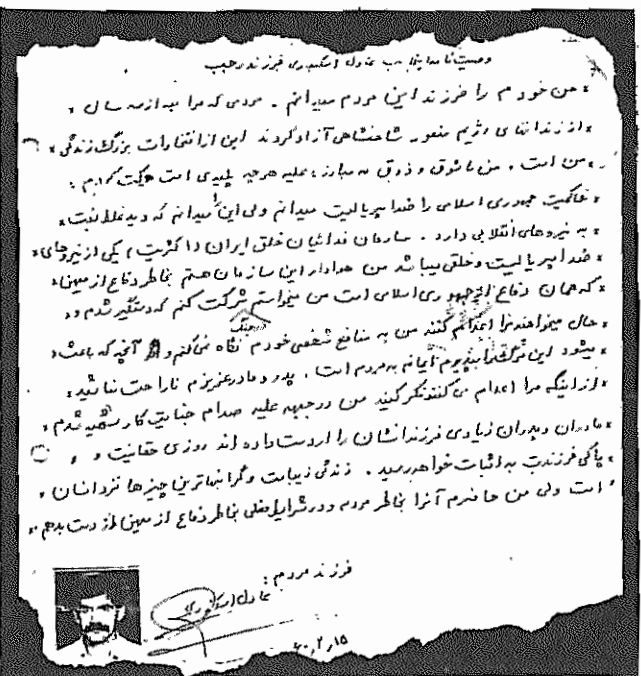
همچنین لایحه مربوط به «ترازیت کالا» از کشتی به گمرکات داخل کشور... برای اختصار به کمیسیون مربوطه ارجاع شد.

مردم ما از دادگاه‌های انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
 (اکثریت) یکی از نیروهای انقلابی راستین. میهن ما است. خدمتی عمومی این سازمان مبتنی بر مبارزه با امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از نیروهای انقلابی و پیشرو حاکمیت کتونی کشور است. دادگاه‌های انقلاب نه تنها نباید جان هیچک از اعضای زندانی این سازمان را در معرض خطر صدور و اجرای احکام ظالمانه قرار دهند، بلکه بر اساس پیام اخیر امام خمینی، باید هر چه زودتر موجبات آزادی اعضای این سازمان را فراهم سازند و خانواده‌های آنان را از اضطراب و نگرانی رهایی بخشند.

مردم بی‌باخته ما در شرایط جنگ میهنی با امپریالیسم آمریکا و رژیم تبهکار صدام و در شرایطی که امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب پیروده‌اش در سراسر کشور، بیش از هر زمان دیگر، بر پیکر انقلاب و جمهوری نوپای اسلامی ایران ضربه می‌زنند، بیش از هر زمان دیگر از مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که حساسیت اوضاع را عمیقاً دریابند، رهنمودهای انقلابی امام خمینی را در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه قضاوت عادلانه و آزادی احزاب و گروه‌هایی که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع و پشتیبانی می‌کنند، با پیگیری دنبال کنند و با امضا و اجرای هر حکم، عدالت واقعی اجتماعی را هر چه حاکمتر و محکمتر گردانند و با تکیه بر حل مبرم‌ترین مسائل بنیادی اجتماعی - اقتصادی جامعه، ریشه‌های انقلاب را عمیقتر، استوارتر و گسترده‌تر و نهال آن را بالنده‌تر و شکوفاتر سازند. سازمان فدائیان خلق ایران

متن کامل وصیت‌نامه عادل اسکندری عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که بر اثر حکم ظالمانه دادگاه انقلاب اهواز اعدام شده‌است



وصیت‌نامه اینجانب عادل اسکندری فرزند رجب من خودم را فرزند این مردم میدانم، مردمی که مرا بعد از سه سال از زندانهای رژیم منغور شاهنشاهی آزاد کردند. این از افتخارات بزرگ زندگی من است. من با شوق و ذوق به مبارزه علیه رژیم پلیدی است حرکت کردم. حاکمیت جمهوری اسلامی را خدا بپروردت می‌داند و این میدانم که در غلظت نسبت به ضد امپریالیست و خلقی بی‌سازمان این سازمان هستم. بناظر دفاع از میهن و کشورمان دفاع از جمهوری اسلامی است من می‌خواستم حرکت کنم که دستگیر شوم و حاکمیت را بگردانم. این کارم که من به سانس شخصی خودم نگاه نمی‌کنم و این می‌شود این حرکت را می‌خواهم به مردم است. پدر و مادرم عزیزم ناراحت نشوید و در زندان مرا اعدام نکنند. من درجه‌ام علیه صدام جنایتکار رفسنجانم و مادران و پدران زیدای فرزندانشان را ابرودت دارد و در روزی حقانیت و پاکی فرزندت به اثبات خواهد رسید. زندگی زیباست و مگر اینها چیزها نترسانان است. من من حانم آزما بناظر مردم و در شرایطی بناظر دفاع از میهن فرزندم رجب فرزند مردم: عادل اسکندری

نمایشگاه دلاوری خلق و جنایات تجاوزگران صدامی



یکی از تکان‌دهنده‌ترین عکس‌های نمایشگاه: تجاوزگران صدامی در یک حمله چنایکانه زن و مرده، کودک و پیر را قتل‌عام کرده‌اند. این عکس را کاوه گلستان یکی از عکاسان شرکت‌کننده در نمایشگاه، گرفته است.

در موزه هنرهای معاصر تهران، از روز ۲۲ اردیبهشت ماه، نمایشگاه عکس با نام «چنگ» به نمایش گذاشته شده است. خط‌کشی این نمایشگاه، علاوه بر مستند بودن آن، بیانگر چنگی هولناک است که توسط امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر مردم ما تحمیل شده است. این نمایشگاه در واقع خیرات‌ناجم در آباد گسترده‌ای می‌دهد که مردم با اینار و از خودگذشتگی در مقابله با آن، مبارزه خود را برای حفظ میهن و انقلاب بسط و تکامل می‌بخشند. در این نمایشگاه تعدادی از عکس‌های ایرانی و همچنین سرریس عکاسی روزنامه‌اطلاعات و خبرگزاری پارس عکس‌هایی

ارائه کرده‌اند. از عکس‌هایی که آثارشان در این نمایشگاه دیده می‌شود، از جمله می‌توان از کاوه گلستان، بهمن چالالی، رضا دقتی، گروه کاظمی، سعیدصادقی، محمود کسلاری، یعقوب‌زاده، دوخته‌چی، یژون عبیدی، کامران جبریلی و ... نام برد. در نمایشگاه عکس‌هایی را می‌بینیم که پیوندی معصومانه و در نتیجه دقیق‌تر با واقعیت دارد. هرچند که واقعات بسیار پیچیده‌تر از نظر هر یک از ما، درباره نمودهای تصویری است. تصاویر موجود در نمایشگاه از دو گروه عکس کاملاً متفاوت تشکیل شده است: گروه اول آن دسته عکس‌هایی است که به هنگام ایستادن در مقابل آن‌کوی

زحمتکشان ایران و در راس آنها طبقه کارگر، که بیشترین سهم را در سرنگونی رژیم آمریکائی شاه ملعون ایفا کردند، امروز هوشیار و آگاه، یکپارچه و متحد به دفاع از دستاوردهای تاریخی انقلاب صدامی‌ریالیستی و مردمی خویش ایستاده‌اند و نیک می‌دانند که سلاح غلاف شده‌اعتصاب را فقط باید در برابر دشمنان مردم و انقلاب بکار برد. طبقه کارگر ایران از جمع‌بندی تجارب تاریخی خود به این نتیجه درست و منطقی رسیده است که امروز اعتصاب، کم‌کاری و اختلال در تولید فقط و فقط مؤلفه ضدانقلابی است، هرچند که بسیار مسائل، از جمله بدبختی‌ترین خواست‌های زحمتکشان، هنوز راه درازی را تا تحقق در پیش دارد.

دانشمندان جهان با مسابقه تسلیحاتی مخالفند

«جنبش پاک‌گوش» تعدادی چندین گروه‌هایی را در زئسو می‌بیند. اعضای این سازمان با سابقه دانشمندان، در این گروه‌های با مسابقه تسلیحاتی و شروع خلع سلاح خواهند پرداخت. این جنبش در تابستان ۱۳۳۴ به‌ابتکار یازده دانشمند نامدار جهان، از جمله آلبرت اینشتاین، برتراند راسل و ژولیو کوری، برای مبارزه در راه صلح و خلع سلاح پایه‌گذاری شد.

چاپ جدید تقویم سال نو

چاپ جدید تقویم سال نو با اصلاحات منتشر شد

باجنبش «پاک‌گوش» آشناسویم

کنفرانس پاک‌گوش مربوط به «دانش و روابط بین‌المللی» یا «جنبش بین‌المللی دانشمندان در راه صلح و خلع سلاح» است. این جنبش در ژوئن سال ۱۹۵۵ (تابستان ۱۳۳۴) که یازده نفر از دانشمندان نامی جهان، از جمله آلبرت اینشتاین، برتراند راسل و فردریک ژولیو کوری پتان دانشمندان جهان پیامی فرستادند و از آنها دعوت کردند که فدای خود را علیه استفاده از انرژی اتمی برای منظوره‌های نظامی رسا کنند، بوجود آمد.

کنفرانس پاک‌گوش هر سال یکبار تشکیل می‌شود و در جلسات غیرعلنی کار آن انجام می‌گیرد، بعلم اینکه مباحثات در این کنفرانس بطور آزادانه برگزار شود. در این کنفرانس مهمترین مسائل مربوط به ترقیات علم در ارتباط با حفظ صلح جهانی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. اسناد این کنفرانس، بانضمام توصیه‌های علمی دانشمندان برای سران دولت‌ها و دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده می‌شود. جنبش پاک‌گوش در امر استحکام مبانی صلح، تفاهم متقابل و همکاری‌های علمی نقش مهمی دارد. جنبش پاک‌گوش از جانب دبیرخانه خود بولتنی بنام «اخبار پاک‌گوش» منتشر می‌کند. مرکز جنبش پاک‌گوش در لندن است.

کارگران نساجی‌های اصفهان گردان رزمنده طبقه کارگر ایران

می‌آمد. از این نظر، افق این سالها از طوفان‌های سهمگین آینده سرخ بود و طبقه کارگر ایران، بمعنای واقعی کلمه، مرغ طوفان و بزده‌رسان مبارزه بود. کارگران بافندگی‌های اصفهان، که سنن درخشان مبارزاتی آن‌ها همه‌جا زینت بود، پرچم این رزم ضدفاشستی را بر دوش داشتند. آنان در سال ۱۳۳۲ در اوج خفقان ساواکی‌شاه ملعون، در اثر تأخیر در پرداخت دستمزد، جیره نان و نرساندن مواد خام، که باعث تعطیلی واحدها می‌شد، پکرات‌به‌سلاح اعتصاب روی آوردند. در بهار سال بعد این اعتصاب همچنان موج از پس موج رو به گسترش بود، بطوری که تنها در خرداد ماه سال ۱۳۳۸، یکبزار و بافندگی از کارگران نساجی «وطن» اصفهان اعلام اعتصاب کردند. سال بعد کارگران «شهباز» اصفهان بطرح خواست‌های بنیادی، نظیر اجرای قانون کار و شناسایی حقوق صنفی - سندیکائی کارگران از سوی رژیم شاه ملعون، دست به اعتصاب زدند. دامنه جنبش چنان گسترده بود که مقامات شرس، استانداری و اداره کار، زیر نظر ساواک و البته بنام هیئت‌مدیره کارخانه‌ها، تعداد زیادی از کارگران را اخراج و هفده تن از آنان را از شهرستان اصفهان تبعید کردند. گذشته از آن، خضوت و شکنجه در انتظار بسیاری از کارگران بود و این همه با هدف سرکوبی تاب و توان انقلابی کارگرانی، که یکدم از تعرض علیه رژیم ساواکی دست بردار نبودند. اما اعتصاب‌ها، پس از یک دوره بسیار کوتاه توقف، از نوسعه کشید. در شانزدهم آبان همان سال بافندگی‌های شهن اعلام اعتصاب کردند. خواست‌ها غیر از برقراری حداقل دستمزد، پرداخت کمک عائله‌مندی، مرخصی‌سالانه (۱۲ روز) یا استفاده از حقوق، از جمله بازگشت کارگران اخراجی به‌سرکار را نیز شامل می‌شد.

اشغال نظامی کارخانه‌ها دردی را دوا نکرد. هیچ طلسمی کارکنان را برانجام مبارزه یا پیروزی کارگران پایان گرفت. مبارزه بی‌وقفه کارگران مشت‌محکم بود که در برابر خودکامی و غارت‌های امان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم آمریکایی و اروپای غربی، برپیشانی لعنت‌خورده دربار فرود می‌آمد. دیگر کارگران مردم به حرکت درآمدند و رژیم ناچار شد وعده «انتخابات آزاد» بدهد.

در سالهای چهل، امواج پی‌درپی رزم اعتصابی کارگران ایران شاه ملعون را به فکر «اصلاحات» انداخت، شاید بتواند با زهم منافع امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی آمریکا را در جامعه ما محفوظ نگهدارد.

۴ خرداد ۱۳۴۰

بیست‌سال پیش، کارگران صنایع بافندگی اصفهان بمنظور دست‌یافتن به پارهای از خواست‌های خود دست‌به‌اعتصاب زدند. در آن زمان صنایع سبک بخش اصلی طبقه کارگر را در خود جای می‌داد و از مجموع صدموسه‌ای که در سراسر کشور، هر یک بیش از دویست کارگر داشت، بیش از هفتاد درصد این رقم به کارگران نساجی تعلق می‌گرفت. بطوری که در سال‌های چهل، بیش از چهار هزار تن از کارگران مبین ما در کارخانه‌ها و واحدهای ریسندگی و بافندگی کار می‌کردند. از این رو نقش این کارگران و این بخش از ظرفیت تولیدی بسیار حساس و حیاتی بود.

وضع عمومی طبقه کارگر در آغاز سال چهل تابعی از مجموعه شرایط موجود در کشور بود و جنبش اعتراضی کارگران بازتابی از پیش‌قراول بودن آنان در مبارزه با رژیم منور گذشته.

برای کارگران قانون کار و تامین اجتماعی تنها بر روی کاغذ وجود داشت. بر این گزارش روزنامه کیهان (۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱): «ماهیانه از حقوق کارگران مبلغ قابل‌ملاحظه‌ای بعنوان یقه کسر می‌کنند، در حالی که سازمان‌های یقه اجتماعی هیچگونه خدمتی برای کارگران انجام نمی‌دهند».

دستمزد روزانه کارگران بندرت از ۶۵ ریال فراتر می‌رفت و در غالب موارد به نصف این رقم بالغ می‌شد. در حالی که برای یک کیلو نان تا ده ریال می‌رسید. برای دهک بهتر شرایط کار و زندگی کارگران باید در نظر داشت که در غالب مواقع پرداخت دستمزد ماه‌ها به تأخیر می‌افتاد.

زنجیر خفقان در همه شئون حیات کشور آن چنان تنگ و فشرده بسته شده بود که قامت پهلوانی مردم ناگزیر باید آن را بهر تدبیر درهم می‌شکست، تا آنکه فراغت و حداقل فرصت برای زندگی فراهم

فرانسوا میتران: ما برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل هستیم

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، گفته است که «برای گفتگو با اتحاد شوروی اهمیت فراوانی قائل است». وی در نامه‌ای به لئوئیو برژنف، از شادباش رهبر اتحاد شوروی بمناسبت انتخاب خود به ریاست جمهوری فرانسه سیاست‌گذاری و اظهار امیدواری کرد که «مناسبات دوستانه و همکاری میان فرانسه و اتحاد شوروی گسترش یابد». بگفته میتران، اینگونه مناسبات به «بیشبرد تفاهم و امنیت در اروپا و در سراسر جهان کمک خواهد کرد».

لئوئیو برژنف، در پیام شادباش خود، گفته بود که مناسبات میان دو کشور باید عامل مهمی در راه تأمین صلح، کاهش مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح باقی بماند.

تروویست‌ها برای آزادی سرکردگان کودتای نافرجام در اسپانیا به گروگانگیری پرداختند

روز ۲ خرداد ۶۰، در بارسلنا (اسپانیا)، گروهی مسلح به تصرف یک بانک و گروگانگیری نزدیک به ۲۵۰ نفر دست زد. با آنکه گروگانگیرها، در این میان، چندین نفر را آزاد کرده‌اند، هنوز در حدود ۲۰۰ نفر در اسارت آنها بسر می‌برند. آنها خواستار آزادی سرکردگان کودتای نافرجام اسپانیا هستند، که سه ماه پیش صورت گرفت. گروگانگیرها تهدید کرده‌اند که چنانچه به این خواست آنها پاسخ مثبت گفته نشود، در فواصل معین یک‌یک گروگانها را خواهند کشت.

بانک در تصرف نیروهای امنیتی قرار دارد و مقامات میکوشند تا برای نجات گروگانها به مذاکره با تروویست‌ها بپردازند.

تظاهرات خشمگین مردم در ایرلند شمالی ادامه دارد

هزاران نفر از مردم سراسر ایرلند شمالی روز شنبه ۲ خرداد، برای شرکت در سوگواری ریه‌فونده مکریش، در یکی از دهات کوچک نزدیک بلفاست گرد هم آمدند. ریه‌فونده مکریش چهار روز پیش، پس از ۶۱ روز اعتصاب غذا، در زندان «لانگ‌گش» جان‌سپرد. پیش از او، سه مبارز دیگر نیز در این زندان بر اثر اعتصاب غذا جان خود را از دست دادند.

رویدادهای غم‌انگیز «لانگ‌گش» در سراسر «آلستر» خشم مردم را برانگیخته است. در روزهای ۲-۱ خرداد ۶۰ تظاهرات وسیعی در بلفاست و دی‌وی برگزار شد. پلیس با شلیک گلوله‌های پلاستیکی به پراکنده کردن مردم دست زد و چندین نفر را زخمی کرد.

تباجم تجاوزکاران چین به ویتنام

چین به تحریکات بیشتری در مرز ویتنام دست زده است. به گزارش مقامات ویتنامی، در روزهای ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد ۶۰، توپخانه چین چندین بار نواحی مرزی استانهای لانگ‌شان و هاتون را زیر آتش گرفت. نیروهای چینی به سرزمین ویتنام حمله و بسوی مردم غیر-نظامی تیراندازی کردند و به تخریب مزارع پرداختند. در این تباجم چندین غیرنظامی کشته شدند.

نژادپرستان آمریکایی میخواستند یک سیاه‌پوست را «لینچ» کنند

سه سفیدپوست آمریکایی کوشیدند تا سیاه‌پوستی را در لانکاستر (پنسیلوانیا) «لینچ» بکنند. مردمی که در اطراف بودند وی را نجات دادند، ولی پلیس از بازداشت جایان نودداری کرد. این رویداد به جنایات آتلانتا (جورجیا) شباهت دارد. در آنجا نیز مسبب نژادپرست قتل‌نزدیک به سی‌و‌هشت توجوان سیاه‌پوست، تاکنون به مجازات نرسیده‌اند.



نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارلنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 520
25 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر بانام «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی‌بریزیم